باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت:	۱۴۴۲۸
رده‌بندی دیویی:	۲۹۷/۳۵۷ ح ۲۶۳ م ۱۳۴۹ مرجع □
سرشناسه:	حائری مازندرانی، علی بن فضل الله، ۱۲۸۶-۱۳۴۹ ق
عنوان قراردادی:	
عنوان:	مناسک حج و عمره
شرح پدیدآور:	
کاتب:	تاریخ کتابت:
محل نشر:	بمبئی ناشر: مطبعه نادری تاریخ نشر: ۱۳۴۹ ق
صفحه شمار:	۱۱۹ ص مصور□ درسی□ گراور یا افست□
زبان:	فارسی ابعاد: ۱۶×۲۲ نوع خط: نسخ
روش تهیه:	وقفی☑ اهدایی□ خریداری□ ارسالی□
واقف:	سید محمد تقی برگه لت ... مرحوم سبط تاریخ ثبت: مرداد ۱۳۴۷
یادداشتها:	در خاتمه این رساله، احکام متعلق به مدینة النبی ذکر شده است.
موضوع(ها):	۱. حج. ۲. حج - رساله عملیه. ۳. دعاها. ۴. زیارتنامه‌ها
شناسه(های) افزوده:	الف. سبط، واقف. ب. عنوان.

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۱۴۴۲۸

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۷ ح ۲۶۳ م ۱۳۴۹ مرجع □

سرشناسه: حائری مازندرانی، علی بن فضل الله، ۱۲۸۶ - ۱۳۴۹ ق

عنوان قراردادی:

عنوان: مناسک حج و عمره

شرح پدیدآور:

کاتب: تاریخ کتابت:

محل نشر: بمبئی ناشر: مطبعه نادری تاریخ نشر: ۱۳۴۹ ق

صفحه شمار: ۱۱۹ ص مصور□ درسی□ گراور یا افست□

زبان: فارسی ابعاد: ۱۶×۲۲ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی☑ اهدایی□ خریداری□ ارسالی□

واقف: سید محمدتقی بروگلتی مرحوم سبط تاریخ ثبت: مرداد ۱۳۴۷

یادداشتها: در خاتمه این رساله احکام متعلق به مدینة النبی ذکر شده است.

موضوع(ها): ۱. حج. ۲. حج - رساله عملیه. ۳. دعاها. ۴. زیارتنامه‌ها.

شناسه(های) افزوده: الف. سبط، واقف. ب. عنوان.





رسالهٔ شریفه

مناسک حج و عمره

از فاضل صمدانی اعلی الله

در جده

در مطبع نادری [illegible]

واقعه

بمبئی مقابل جی جی هسپتال پرنس بلدنگ

باب الله نمک روڈ پوسٹ نمره ۹

ازانجا طبع شده است

سال ۱۳۴۸ خورشیدی

رسالهٔ شریفه

مناسک حج و عمره

از فاضل صمدانی اعلی الله

در جده

در مطبع [illegible]

واقعه

بمبئی مقابل جی جی هسپتال بلڈنگ

بالا الله تنک روڈ پوسٹ نمره ۹

ازانجا طبع شده است

سال ۱۳۶۸ خورشیدی

این رساله مناسک حج از سرکار حجة الاسلام والمسلمین
آیة الله رکن الدین شیخ الفقهاء والمجتهدین
آقای میرزا فضل الله مجتهد الشهیر بالفاضل
الزنجانی ادام الله تعالی
ایام افاضاته نوشته شد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام
على اشرف الانبیاء وسید المرسلین محمد
خاتم النبیین وعلى آله الطاهرین ولعنة
الله على اعدائهم اجمعین اما بعد
فلا یخفى على کل قریب وبعید ومن القى السمع

این رساله مناسک حج از سرکار حجة الاسلام و المسلمین
آیة الله رکن الدین شیخ الفقهاء و المجتهدین
آقای میرزا فضل الله مجتهد الشهیر بالفاضل
النوری الرازی ادام الله تعالی
ایام افاضاته [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام
علی اشرف الانبیاء و سید المرسلین محمد
خاتم النبیین و علی آله الطاهرین و لعنة
الله علی اعدائهم اجمعین اما بعد
فلا یخفی علی کل قریب و بعید و من القی السمع

وپوشیده نماند که این مختصریست از مسائل حج
تمتّع که متعلّق به کسانیست که از مکّهٔ معظّمه
زیاده از شانزده فرسخ دور باشند و از این
اقلّ خدّام شریعت [illegible] الله
مازندرانی [illegible] بن العالم المؤتمن المرحوم
بالمولی محمّد حسن انار الله برهانه و اعلی الله
مقامه و ضاعف اجره [illegible]
منتخب نمود از رسالهٔ [illegible]
جمعی از برادران دینی و اخلّاء یقینی و
وفّقنی الله و ایّاهم فی الطّاعات والعبادات
ورزقنی و سائر الطّالبین طواف بیت الله

وتمهيد كه اين مختصريست از مسائل حج
تمتع كه متعلق به كسانيست كه از مكّهٔ معظمه
زياده از شانزده فرسخ دور باشند واز اين
اقلّ خدام شريعت [illegible] فضل الله
عا ندران [illegible] ابن العالم المؤتمن المتمسك
بالولاء محمد حسن [illegible] عن [illegible]
مقامه وضاعف [illegible]
منتخب نمود از [illegible]
جمعى از برادران دينى و اخلّاء يقينى و
فقنى الله واياهم فى الطّاعات والعبادات
ورزقنى و سائر الطّالبين طواف بيت الله

الحرام واداء مناسك حجة الاسلام على النهج
المقرر في شريعة سيد الانام في عامنا هذا
وفي كل عام بمحمد وآله الطيبين الطاهرين
المعصومين الذين المباينين عليه وعليهم
اجمعين صلوات الله الملك الحق المبين
[illegible] ومعانديهم
ومنكري [illegible] من الان الى
يوم الدين [illegible] اشخاص دور از
مكهٔ معظمه وكعبهٔ محترمه زادها الله
تعالى شأنه العزيز عزا وشرفا بمقدار مذكور
شانزده فرسخ كه حج تمتع باشد مركبست

از عمره

حرام واداء مناسك حجة الاسلام على النّهج
المقرّر في شريعة سيّد الانام في عامنا هذا
وفي كلّ عام بمحمّد واله الطّيّبين الطّاهرين
المعصومين الذين المباهاة بهم عليه وعليهم
اجمعين صلوات الله الملك الحقّ المبين
[illegible] ومعانديهم
ومنكري [illegible] من الان الى
يوم الدين و بر اشخاص دور از
مكّهٔ معظّمه وكعبهٔ محترمه زادها الله
تعالى شانها العزيز عزّا وشرفا بمقدار مذكور
شانزده فرسخ كه حجّ تمتّع باشد مركبست

از عمرهٔ مفرده و حجّ متأخّر که عبارة اخری
حجّ تمتّع مرکّب از دو عمل است اوّلی را که
مقدّم است عمره میگویند و دوّمی را که
موخّر است حجّ میگویند بنا بر این مجموع را
مشتمل نمودیم بر دو باب باب اوّلی در مسائل
عمره و بابی در مسائل حجّ و نیز مرتب [illegible]
نیز در مطالب [illegible] خواهد [illegible]
دانم که قبل از شروع در مقصود [illegible]
مقدار ثواب حجّ را بمضمون روایت صحیحه
که در این باب از حضرت امام بحقّ ناطق
جعفر ابن محمّد الصّادق علیهما و علی آبائهما و

از عمرهٔ مفرده و حجّ متأخّر که عبارة اخری
حجّ تمتّع مرکّب از دو عمل است اوّلی را که
مقدّم است عمره میگویند و دوّمی را که
مؤخّر است حجّ میگویند [illegible] این مختصر را
مشتمل نمودیم بر دو باب باب اوّل در مسائل
عمره و باب ثانی در مسائل حجّ [illegible]
نیز در ضمن مطالب [illegible]
داشتم که قبل از شروع [illegible]
مقداری از ثواب حجّ را بمضمون روایت صحیحه
که در این باب از حضرت امام بحقّ ناطق
جعفر ابن محمّد الصّادق علیهما و علی آبائهما و

اولادها الطاهرین المعصومین الغرّ المیامین
افضل الصلوات والسلام من الله رب العالمین
روایت شده از پدر بزرگوارش از آباء
عالیمقدارش از حضرت رسول الله صلی الله
علیه و آله و آن اینست که رسول الله را
[illegible] حضر کردان
[illegible] یا رسول الله
من [illegible] حج پس فوت شد
از من حج و من مرد بسیار مالداری میباشم
امر فرما بمن که من در مال خود عملها و کارها
بکنم از برای خداوند متعال تا برسم بواسطهٔ

اولادها الطاهرین المعصومین اعز المیامین
افضل الصلوات والسلام من الله رب العالمین
روایت شده از پدر بزرگوارش از آباء
عالیمقدارش از حضرت رسول الله صلی الله
علیه وآله وآن اینست که رسول الله را
[illegible] عرض کرد آن
[illegible] که یا رسول الله
من [illegible] حج پس فوت شد
از من حج ومن مرد بسیار مالداری میباشم
امر فرما بمن که من در مال خود عملها وکارها
بکنم از برای خداوند متعال تا برسم بواسطهٔ

ان بان ثواب واجریکه حاجیها بان رسیدند
امام علیه السلام فرمودند که حضرت رسول
صلی الله علیه واله بان شخص اعرابی فرمودند
که نظر کن بکوه ابی قبیس [illegible] تمام اینکوه
طلای سرخ باشد [illegible] برای تو و تو تما[illegible]
در راه خدا انفاق نمائی [illegible]
اجر و ثوابی که حاجیها [illegible]
و کافیست همین [illegible]
از برای تشکر موفقین بحج رزقنی الله ذلک
باحسن الوجه واسلم المسالک بعد از اینکه دل
و دیده ات باین حدیث شریف صحیح خرم

ان بان ثواب واجریکه حاجیهابان رسیدند
امام علیه السلام فرمودند که حضرت رسول
صلی الله علیه واله بان شخص اعرابی فرمودند
که نظر کن بکوه ابی قبیس [illegible] تمام اینکوه
طلای سرخ باشد برای تو و تو تمام [illegible]
در راه خدا انفاق نمائی [illegible] به آن
اجر و ثوابی که حاجیها [illegible]
و کافیست همین [illegible]
ازبرای تشکر موفقین بحج رزقنی الله ذلك
باحسن الوجه واسلم المسالك بعد ازاینکه دل
و دیده ات باینحدیث شریف صحیح خرم

و روشن شد شروع می نمائیم در مقصود پس
میگوئیم که باب اول در مسائل عمره است
که باید پیش از حج انرا بجا اورد بدانکه
عمره مشتمل بر پنج چیز است اول احرام از میقاتی
از میقاتهای پنجگانه معینه بامکان و ان
ذو الحلیفه است و آن برای مدینه و در انجا است
مسجد شجره که احرام از انجا است و
حجفه است برای اهل شام و یلملم است از
برای یمن و قرن المنازل است از برای طائف
و وادی عقیق است برای عراق و افضل ان
مسلخ معروفست و هرکس در هر میقاتی ازاین

و روشن شد شروع می نمائیم در مقصود پس
میگوئیم که باب اول در مسائل عمره است
که باید پیش از حج انرا بجای آورد بدانکه
عمره مشتمل بر پنج مسئله اول احرام از میقاتی
از میقاتهای پنجگانه بر حسب امکان و آن
ذو الحلیفه است برای مدینه و در آنجا است
مسجد شجره که احرام بآنجا است و
جحفه میقات اهل شام و یلملم است از
برای یمن و قرن المنازل است از برای طائف
و وادی عقیق است برای عراق و افضل ان
مسلخ معروفست و هر کس در هر میقاتی از این

میقاتها محرم شود جائز است و این میقاتها از
برای او است و لذا اهل این میقات نباشد
دوم طواف خانه خداوند متعال سیم
نماز طواف چهارم سعی ما بین صفا و مروه
پنجم تقصیر یعنی کم کردن موی یا ناخن
پس این باب مشتمل بر پنج فصل است فصل اول
در احرام عمره و است [illegible] عمل [illegible] از
برای آن مقدمات [illegible] من جمله
گذاشتن موی در اول ذیقعده و مؤکد میشود
استحبابش در اول ذی الحجه و من جمله شارب
گرفتن و ناخن چیدن و نوره کردن و منجمله

میقاتها محرم شود جائز است و ان میقات از
برای او است و لو اهل ان میقات نباشد
دوم هر طواف خانه خداوند متعال سیم
نماز طواف چهارم سعی ما بین صفا و مروه
پنجم تقصیر یعنی کم کردن موی یا ناخن
پس این باب مشتمل بر پنج فصل است فصل اول
در احرام عمره و است که اول عمل آن و سنت از
برای ان مقدمات مستحبه است من جمله
گذاشتن موی در اول ذیقعده و موکد میشود
استحباب ش در اول ذی الحجه و من جمله شارب
گرفتن و ناخن چیدن و نوره کردن و منجمله

غسل نمودن در روز احرام بلکه احوط اینست
که غسل احرام ترک نشود و اگر بعد از غسل و
قبل از احرام محدث شود باید بجا بیاورد [illegible]
که جایز نباشد [illegible] از برای محرم از پوشیدنی و
خوردنی و بو کردنی و همچنین غسل را اعاده
[illegible] جمله بجا آوردن
شش [illegible] احرام و جائز
است [illegible] بلکه یک رکعت
و اگر در وقت فریضه بخواهد محرم شود
احوط این است که اکتفا بنماز فریضه قبل
از احرام نکند بلکه بعد از فریضه نمازها را

غسل نمودن در روز احرام بلکه احوط اینست
که غسل احرام ترک نشود و اگر بعد از غسل و
قبل از احرام محدث شود یا بجا بیاورد چیزی را
که جایز نباشد از برای محرم از پوشیدنی و
خوردنی و بوی کردنی و غیر ذلک غسل را اعاده
نماید [illegible] من جمله بجا آوردن
شش [illegible] احرام و جائز
است اکتفا نمودن [illegible] ركعة بلکه بیک [illegible]
و اگر در وقت فریضه بخواهد محرم شود
احوط این است که اکتفا بنماز فریضه قبل
از احرام نکند بلکه بعد از فریضه نماز ها را

نیز بعمل آورد و اگر قبل از فریضه نیز بجا آورد
باکی نیست اگرچه خلاف احتیاط است و اگر وقت
فریضه نباشد ولکن نماز قضا در ذمه داشته
باشد اقوی نزد احقر جواز بجا آوردن این
نماز است چنانچه اقوی صحت سایر نمازهای
مستحبی است نیز از برای کسی که نماز قضا
در ذمّه داشته باشد در [illegible]
و اگر قدرت [illegible] نماز [illegible] بجا آورد
بعد از آن شش رکعت نماز احرام را بجا آورد
یا چهار رکعت یا دو رکعت آنچه خواهد بود
و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که خواهد

نیز بعمل آورد و اگر قبل از فریضه نیز بجا آورد
باکی نیست اگرچه خلاف احتیاط است و اگر وقت
فریضه نباشد ولکن نماز قضا در ذمه داشته
باشد قوی نزد احقر جواز بجا آوردن این
نماز است چنانچه قوی است جواز سایر نمازهای
مستحبی است نیز از برای کسی که نماز قضا
در ذمه داشته باشد در [illegible]
و اگر قدری [illegible] نماز [illegible]
بعد از آن شش رکعت نماز احرام را بجا آورد
یا چهار رکعت یا دو رکعت از هر چه خواهد بود
و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که خواهد

بخواند و نیز در رکعة اول بعد از حمد قل هو الله
و در رکعة دوم قل یا ایها الکافرون بخواند نیکو
ترست و بهتر انست که بعد از غسل جامهای
احرام را بپوشد پیش از محرم شدن و تلبیه
را [illegible] بلند [illegible] تا بعد از [illegible] در احرام
واجب [illegible] اول پوشیدن در جامهٔ
احرام [illegible] بیکدیگر را ردا
احوط [illegible] بند که صدف
گره زدن نکند باین نحو کند که سر هر طرفی از
لنگ را در طرف دیگر آن فرو کند ولنگ باید
تا بزانو باشد بلکه احوط اینست که بلند تر باشد

بخواند و نیز در رکعت اول بعد از حمد قل هو الله

و در رکعت دوم قل یا ایها الکافرون بخواند نیکو

ترست و بهتر انست که بعد از غسل جامهٔ

احرام را بپوشد پیش از محرم شدن و تلبیه

را [illegible] تا بعد از [illegible] در احرام

و [illegible] اول [illegible] پوشیدن در جامهٔ

احرام [illegible] را [illegible] یکدیگر را سر دا

احوط [illegible] بندد که صدف

گره زدن نکند و این نحو کند که سر هر طرف از

لنگ را در طرف دیگر فرو کند و لنگ باید

تا بزانو باشد بلکه احوط اینست که بلند تر باشد

تا ساق واز طرف بالا از بالای ناف باشد
که ناف زیر لنک پنهان شود ومردانرا
قسمی بپوشد که هر دو دوش را بگیرد مثل عبا
که این قسم اقرب باشد باحتیاط [illegible] در دو جامهٔ
احرام چند چیز سنت است اول آنکه پاک باشد
حتی از خون [illegible] دوم آنکه
ابیض و جامه از [illegible] مثل
الا در حق زنها [illegible] ایشان
جایز است مع الکراهة بلکه احتیاط در حق ایشان
نیز ترک آنست زیرا که قول بحرمة ان از برای زنان
نیز میباشد پس احتیاط از برای زنان اینست

تا ساق و از طرف بالا از بالای ناف باشد
که ناف زیر لنك پنهان شود و مر ردا را
قسمی بپوشد که هر دو دوش را بگیرد مثل عبا
که این قسم اقرب باشد [illegible] و دو جامهٔ
احرام چند چیز شرط است اول آنکه [illegible]
حتی از خون [illegible] دوم آنکه
[illegible] و جامه از [illegible]
الا در حق زنها [illegible] ایضا
جایز است مع الکراهة بلکه احتیاط در حق ایشان
نیز ترك آنست زیرا که قول بحرمة آن از برای زنان
نیز میباشد پس احتیاط از برای زنان اینست

که احرام اینها نیز از جنس حریر نباشد و خنثی در اینجا
ملحق بمرد است علی الاحوط لا الاقوی پس باید جامهٔ
احرام او نیز از جنس حریر نباشد و مراد از حریر
حریر خالص است پس [illegible] مخلوط از حریر و غیر حریر
ضرر ندارد حتی از برای مردان [illegible] پنبه ضرر ندارد
[illegible] باشد بهتر است
چنانچه [illegible] سفید باشد
سیم [illegible] مردان باید دوخته
نباشد اما زنان پس ضرر ندارد از برای ایشان
جامهٔ دوخته چه جامهٔ احرام و چه جامهٔ غیر احرام و
اقل جامهٔ احرام دو جامه است پس ضرر ندارد زیاده

که احرام ایشان نیز از جنس حریر نباشد و خنثی در اینجا
ملحق بمرد است علی الاحوط لا الاقوی پس باید جامهٔ
احرام او نیز از جنس حریر نباشد و مراد از حریر
حریر خالص است [illegible] مخلوط از حریر و غیر حریر
ضرر ندارد حتی از برای [illegible] ضرر ندارد
[illegible] باشد بهتر است
چنانچه [illegible] سفید باشد
سیم [illegible] مردان باید دوخته
نباشد امّا از زنان پس ضرر ندارد از برای ایشان
جامهٔ دوخته چه جامهٔ احرام و چه جامهٔ غیر احرام و
اقلّ جامهٔ احرام دو جامه است پس ضرر ندارد زیاده

از دو جامه چنانچه ضرر نداشته نپوشد بلکه دو جامه

بعد پوشیدن و محرم شدن با یکی از آن دو جامه دیگر و

لازم نیست که همیشه این دو جامه را پوشیده باشد

بلکه اگر بخواهد گاهی بدن [illegible] یا یکی از آن

دو را ضرر ندارد چنانچه [illegible] اینکه غصبی نباشد

دوم از آن [illegible] که [illegible] لازم نیت

است و آن باید [illegible] باشد [illegible]

نیتش با این قسم باشد [illegible] احرام

احرام عمرهٔ تمتع قربة الی الله بعد نیت کند که خداوندا

محرم میشوم و محرم شد بعمرهٔ تمتع حجة الاسلام

واجب قربة الی الله بلکه همان نیت قربة کافیست

از دو جامه چنانچه ذکر شد ندارد بلکه دو جامه
بعد پوشیدن محرم شدن با یکی از آن جامه دیگرو
لازم نیست که همیشه این دو جامه را پوشیده باشد
بلکه اگر بخواهد گاهی بیرون [illegible] یا یکی از آن
دو را عوض نماید چنانچه [illegible] اینکه غصبی نباشد
دوم از آن [illegible] که [illegible] لازم [illegible]
است و آن باید [illegible] باشد [illegible]
نیت با این قسم باشد [illegible] احرام
احرام عمرهٔ تمتع قربة الی الله بعد نیت کند که خداوندا
محرم میشوم و محرم شد بعمرهٔ تمتع حجة الاسلام
واجب قربة الی الله بلکه همان نیت قربة کافیست

نيت وجوب لان عزيمت على الاقوى وبلا فاصله

بعد اين نيت تلبيه بكويد واكر در نيت اول محرم

شدن بعمره تمتع را با نيت قصد باشد كافي است

در محرم شدن ... دو جامه احرام را بغير

... بپوشد وبعد از ... نيت احرام بايد كند

... است كه ... از خود

... معنى محرم شدن

... انشاء كه من ترك

مينمايم ان اشيائيكه محرم بايد ترك كند وبر

خود حرام كردانيدم از قربة الى الله تعالى نظير

نيت روزه كه روزه كيرنده نيت مينمايد متحقق ميشود

احرام بدرك

نیت وجوب لانه نیست علی الاقوی و بلا فاصله
بعد این نیت تلبیه بگوید و اگر و نیت اول محرم
شدن بعمره تمتع را بان نیت قصد باشد کافی نیست
در محرم شدن [illegible] و جامه احرام را بغیر
[illegible] بپوشد و بعد از آن نیت احرام باین کند
[illegible] الاست که شروع از خود
[illegible] بمعنی محرم شدن
ایذ [illegible] انشاء کرده من ترک
مینمایم ان اشیائیکه محرم باید ترک کند و بر
خود حرام کرده ام از قربة الی الله تعالی نظیر
نیت روزه که روزه کیرنده نیت مینماید متحقق مشود

احرام بذکر و گفتن تلبیه محرم میشود آن اشیاء
متصل که ذکر و بیان میشود بعض گفتن تلبیه نظیر
تکبیرة الاحرام در نماز و لازم نیست آن اشیا که
بایدان را ترک کند مفسدات [illegible] و نیت
ترک آنها [illegible] اجمالی کافی نیست
مثل نیت ترک مفطرات [illegible]
جائز بکند ضرر ندارد [illegible]
که آنرا باید بلا فاصله [illegible]
وصورت آن اینست اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ
لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ وَالْمُلْكَ لَكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ
لَكَ لَبَّيْكَ اینمقدار گفتن بلا فاصله از نیت احرام

احرام بذکر و گفتن تلبیه محرام میشود ان اشیا
متصل به که ذکر و بیان میشود بعض گفتن تلبیه
تکبیرة الاحرام در نماز و لازم نیست ان اشیا که
با بدن را ترک کند مفسد [illegible] و نیت
ترک انها [illegible] اجمالی کافی نیست
مثل نیت ترک [illegible]
جاری بکند [illegible]
که او را باید بلا فاصله [illegible]
وصورت ان اینست اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ
لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ وَالْمُلْكَ لَكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ
لَكَ لَبَّيْكَ این مقدار گفتن بلا فاصله از نیت احرام

واجبست و بعد از آن مستحبست گفتن تلبیه در
چند موضع من جمله هنگام بیدار شدن از خواب
و بر بلندی بالا رفتن و هنگام سوار شدن و پیاده
شدن و [illegible] بلند بها و بخوان و مستحبست
از [illegible] که صدا بلند کند [illegible] تلبیه بلی کسیکه از مسجد
شجره [illegible] بالا رفتن بیدا که
[illegible] و [illegible] دور است بلند کند
خص [illegible] جمله ابن محرم منقلد
تلبیه بگوید تا وقتیکه خانهای مکه زادها الله شرفا
نمودار شود بمحض نمودار شدن خانهای مکه تلبیه را
قطع کند فصل ثانی در طواف عمره است بدانکه

واجبست و بعد این مستحبست گفتن تلبیه در
چند موضع من جمله هنگام بیدار شدن از خواب
و بر بلندی بالا رفتن و هنگام سوار شدن و پیاده
شدن و سرازیر شدن از بلندیها و بخوابان و مستحبست
[illegible] آنکه صدا بلند کند [illegible] تلبیه بلی کسیکه از مسجد
شجره [illegible] بالا رفتن بیدا که
[illegible] بلند کند
خصوص [illegible] ابن محرم منقطع کند
تلبیه بگوید تا وقتیکه خانهای مکه زادها الله شرفا
نمودار شود بمحض نمودار شدن خانهای مکه تلبیه را
قطع کند فصل ثانی در طواف عمره است باید اینکه

واجب است در عمره طواف بیت الله هفت شوط
بدون کم و زیاد بود و در این طواف شرط است چند چیز
اوّل طهارت از نجاست حتّی از نجاستی که در نماز
معفوّ است علی الاحوط دوم [illegible] از حدث
حتّی از حدث اصغر [illegible] ستر عورت چهارم
نیّت پس بعد از آنکه [illegible]
که هفت شوط [illegible] عمره
تمتّع قربة الی الله پس [illegible]
کردن بان که اینقدر که یکدوره است یکشوط است از
همانجا که ابتدا کرده همانجا باید ختم کند و یقین بان
باید هم رساند و من باب مقدّمهٔ علمیّه در ختم قدری

واجب است در عمره طواف بیت الله هفت شوط
بدون کم و زیاد و در این طواف شرط است چند چیز
اوّل طهارت از نجاست حتّی از نجاستی که در نماز
معفوّ است علی الاحوط دوّم طهارت از حدث
حتّی از حدث اصغر سیّم ستر عورت چهارم
نیّت پس بعد از [illegible] اسود قصد کند
که هفت شوط [illegible] عمره
تمتّع قربة الی الله پنجم [illegible]
کردن بآن که اینقدر که یکدوره است یک شوط است از
همانجا که ابتدا کرده همانجا باید ختم کند و یقین بآن
باید هم رساند و من باب مقدّمهٔ علمیّه در ختم قدری

زیاده ترک کند تا یقین بوصل مجمل شروع کرده باشد

ضرر انست که اول رو کند بحجر و نیت کند و بعد از آن

جانب چپ محاذی حجر کند و شروع کند ششم

آنکه خانه [illegible] طواف جانب چپ خود

[illegible] واگر بایستند [illegible] رحال طواف برای

[illegible] کند پس برگردد

[illegible] وصدق عرفی که

[illegible] ست کافیست هفتم

آنکه جمیع بدن طواف کننده باید خارج باشد از خانه

حتی از شاذروان که در دور خانه است و اگر عمدا

دست بخانه برساند عوضی که جانب چپ خانه بر گردد

زیادتر کند تا یقین بوصل مجمل شروع کرده باشد و
ضرر است که اول رو کند بحجر و نیت کند و بعد از آن
جانب چپ محاذی حجر کند و شروع کند ششم
آنکه خانه [illegible] الا طواف جانب چپ خود
[illegible] و اگر بایستد [illegible] در حال طواف برای
[illegible] کند پس برگردد
و [illegible] وصدق عرفی که
جا [illegible] است کافیست هفتم
آنکه جمیع بدن طواف کننده باید خارج باشد از خانه
حتی از شاذروان که در دور خانه است و اگر عمدا
دست بخانه برساند لغو یکه جانب چپ خانه برگردد

پس بایستد و دست را بخانه برساند بعد برگردد بجانب
حجر باز محاذی خانه کند و برود هشتم اینکه در
جمیع حالات طواف باید ما بین خانه و مقام ابراهیم
علی نبینا و آله و علیه السلام باشد نهم [illegible]
باید در جمیع حالات [illegible] [illegible]
حجر اسماعیل را [illegible] [illegible]
و اگر داخل خانه [illegible]
ان واقع سازد [illegible]
نه کم و نه زیاد بلکه اگر شوط قدری زیاده من
باب المقدمه لازم است زیاده بر این نباید بکند
و اگر شک کند در عدد شوطهای طواف پس

پس بایستد و دست را بخانه برساند بعد بر گردد بجانب
حجر باز محاذی خانه کند و برود هشتم اینکه در
جمیع حالات طواف باید ما بین خانه و مقام ابراهیم
علی نبینا و آله و علیه السلام باشد نهم داخل [illegible]
باید در جمیع حالات [illegible]
حجر اسماعیل را [illegible]
و اگر داخل خانه [illegible]
ان واقع ساز [illegible]
نه کم و نه زیاد بلی در اخر هر شوط قدری زیاده من
باب المقدمه لازم است و زیاده بر این نباید بکند
و اگر شک کند در عدد شوطهای طواف پس

اگر شک بعد از فراغ باشد اعتباری بآن شک
نیست و اگر پیش از تمام شدن باشد باطل میشود
طواف واجب و لازم میشود اعاده بخلاف طواف
مستحب که اگر شک در اشواط کند بنا را بر اقل بگذارد و
تمام کند و اعاده و استینافش لازم نباشد و اگر در طواف
واجب بعد از تمام کردن که مثلا هفت دور کرده یا کمتر شک کند
که زیاده کرده یا نه بان شک اعتبار ندارد طواف
او صحیح است اعاده لازم نیست لکن اگر بخواهد
احتیاط کند و استیناف کند ضرری ندارد یازدهم
موالات است یعنی پی هم بجا آوردن شوطها را
بنحو متعارف و این موالات معتبره در چهار شوط

اگر شك بعد از فراغ باشد اعتباری بآن شك
نیست و اگر پیش از تمام شدن باشد باطل میشود
طواف واجب و لازم میشود اعاده بخلاف طواف
مستحب که در اینصورت بنا بر اقل میگذارد و
تمام میکند و اعاده و استینافش لازم نیست و اگر در طواف
واجب بعد از تمام کردن شوط اگر شك كند
که آیا بجا آورده یا نه بنا بر آنکه اعتباری ندارد طواف
او صحیح است و اعاده لازم نیست لکن اگر بخواهد
احتیاط کند و استیناف کند ضرری ندارد یازدهم
موالات است یعنی پی هم بجا آوردن شوطها را
بنحو متعارف و این موالات معتبر است در چهار شوط

اوّل لازم است مطلقاً علی الاحوط و در سه شوط
باقی با عدم عذر پس اگر در اثناء این سه شوط عذر
شرعی رو دهد یا بعد از تمام شدن چهار شوط اوّل
مثل اینکه زن حایض شود [illegible] و مثل
آن برود سعی [illegible] را نماید و بعد از آن [illegible]
بیاید بقیه را [illegible]
مفصّل [illegible]
و حجره ذکر نمائیم [illegible] که
مستحبّ است بوسیدن حجر الاسود و در برگرفتن
آن و اگر ممکن نباشد فلا اقلّ دست بآن بمالد و اگر ممکن
نباشد استلام کند بنحو اشاره بدست و مستحبّ است

اوّل لازم است مطلقا علی الاحوط ودر سه شوط
باقی با عدم عذر پس اگر در اثناء این سه شوط عذر
شرعی رو دهد یا بعد از تمام شدن چهار شوط اوّل
مثل اینکه زن حائض شود [illegible] و مثل
آن برود سعی [illegible] را نماید و بعد از آن [illegible]
بیاید بقیه را [illegible]
مفصل [illegible]
و چیزی ذکر نمائیم [illegible] که
مستحبست بوسیدن حجر الاسود و در بر گرفتن
آن و اگر ممکن نباشد فلا اقل دست بآن بمالد و اگر ممکن
نباشد استلام کند بنحو اشاره بدست و مستحبست

در بر گرفتن جمیع رکنها و مستحب است بوسیدن
رکن یمانی و عراقی و مستحب است در بر گرفتن مستجار
در شروط منتم و غیر ذلک فصل پنجم در نماز
طواف است که آن واجبه عمره است دو رکعت
مانند نماز صبح و اگر دسترس [illegible] ابراهیم بجا آورند
و [illegible] بجا آورند و
مقام ابراهیم [illegible] آنقدر دم آن حضرت
در [illegible] و هر رکعه نماز نیت
میکنند که دو رکعه نماز عمرهٔ تمتع بجا می آورم
قربة الی الله و مخیر است بین جهر و اخفات و
هر سوره بعد از حمد بخواند مجزیست لکن بهتر

در بر کردن جمیع رکنها و مستحب است بوسیدن
رکن یمانی و عراقی و مستحب است در بر کردن مستجار
در شوط هفتم و غیر ذلک فصل سیم در نماز
طواف است که از اجزاء واجبهٔ عمره است دو رکعت
مانند نماز صبح واقع در مقام ابراهیم بجا آورند
و بعضی از علماء گفته‌اند در عقب آن بجا آورند و
مقام ابراهیم آن سنگی است که اثر قدم آن حضرت
در آن است و باید حمد و سوره در هر رکعه نماز نیت
میکنند که دو رکعت نماز عمرهٔ تمتع بجا می‌آورم
قربةً الی الله و مخیر است بین جهر و اخفات و
هر سوره بعد از حمد بخواند مجزی است لکن بهتر

است که در رکعة اول قل هو الله و در رکعة
دوم قل یا ایها الکافرون بخواند فصل چهارم
در سعی ما بین صفا و مروه است که این نیز از اعمال
عمرهٔ تمتع است بدان ایدک الله که چون از طواف
عمرهٔ تمتع فارغ شد باید که متوجه سعی ما بین
صفا و مروه باشد [illegible] عمل ابتدا
از صفا بسوی مروه [illegible] باید ابتدا [illegible]
صفا کند و برود تا [illegible] شوط است
بعد برگردد از مروه بسوی صفا که این یک شوط دیگر
است تا تمام شود و کامل گردد هفت شوط که
شوط آخر از صفا بمروه خواهد بود یعنی ختم هفت

است که در رکعت اول قل هو الله و در رکعت

دوم قل یا ایها الکافرون بخواند فصل چهارم

در سعی ما بین صفا و مروه است که این نیز از اعمال

عمره تمتع است بدان ای دانا که چون از طواف

عمره تمتع فارغ شده باشد پس لازم است سعی ما بین

صفا و مروه با نیت سعی عمره تمتع بعمل آورد یعنی

از صفا بسوی مروه برود و ابتدا باید از صفا

کند و برود تا مروه ...

بعد برگردد از مروه بسوی صفا که این یک شوط دیگر

است تا تمام شود و کامل گردد هفت شوط که

شوط آخر از صفا بمروه خواهد بود یعنی ختم هفت

شوط بمروه خواهد شد و معتبر است در این
عمل عمره چند چیز اوّل نیّت قصد میکند که
هفت شوط سعی میکنم ما بین صفا و مروه از برای
عمرهٔ متمتّع بها [illegible] قربة الی الله دوم آنکه
ابتدا از صفا کند و ختم آن بمروه اقوی اینست
که [illegible] صفا و مروه [illegible] است لکن
احوط [illegible] کند که در شروع
بچسباند [illegible] بکوه صفا و در ختم
و رسیدن بمروه بچسباند سر انگشتان پا را بمروه
و این را یکشوط حساب کند و برگردد همین نحو
و این را شوط دیگر حساب کند و اگر در ابتدا بکوه صفا

شوط بمروه خواهد شد و معتبر است در این
عمل عمره چند چیز اول نیت قصد میکند که
هفت شوط سعی میکنم ما بین صفا و مروه از برای
عمرهٔ متمتع [illegible] لبیة لربة الی الله و دوم اینکه
ابتدا از صفا کند و ختم آن [illegible] بمروه اقوی اینست
که [illegible] صفا و مروه [illegible] است لکن
احوط [illegible] کند که در شروع
بچسباند [illegible] بکوه صفا و در ختم
و رسیدن بمروه بچسباند سر انگشتان پا را بمروه
و اینرا یکشوط حساب کند و برگردد همین نحو
و اینرا شوط دیگر حساب کند و اگر در ابتدا بکوه صفا

بالا رود و در آنجا نیت کند و سر از زیر شود رو
بسوی مروه دیگر حاجت بچسبانیدن پاشنه بان
موضع سابق نیست چنانچه در ختم مروه اگر
قدری زیادتر و بیشتر برود باکی نیست با حاجت بچسبانیدن
سر انگشتان بمروه [illegible] هم [illegible] شرط
مجاورت باید [illegible] اگر چه [illegible] اینکه [illegible]
متعارف [illegible] اگر [illegible]
سابقه معلوم [illegible] ملا
متعارف نیست بلکه بمطلق راه که موجب صدق سعی
ما بین صفا و مروه باشد میتوان اکتفا نمود یعنی
راه برود بنحو متعارف نه اینکه جستن کند بلی

بالا رود و در آنجا نیت کند و سر از زیر شود رو
بسوی مروه دیگر حاجت نیست بالا رفتن پاشنه پان
موضع سابق نیست چنانچه در ختم مروه اگر
قدری زیادتر و بیشتر برود لیکن حاجت نیست پیچیدن
سر گشتن به مروه نزد [illegible] شرط
مجاوره با [illegible] اینکه [illegible]
متعارف [illegible]
سابقه معلوم [illegible]
متعارف نیست بلکه بمطلق مراد که موجب صدق سعی
ما بین صفا و مروه باشد میتوان اکتفا نمود پیچید
راه برود بنحو متعارف نه اینکه جستن کند بلی

نند وکند رفتن هر دو بی عیبست مستحب است
ما بین منارهٔ اول و دوم هروله کند بلکه احتیاط
اینست که هروله را ترك نکند هروله عبارت
از راه رفتن [illegible] شانها [illegible] ششم اینکه وقت
[illegible] صفا بمروه بیشتر [illegible] باشد و رو بمروه
[illegible] اگر [illegible] بنحو قهقری بی
بیست [illegible] از [illegible] هفت شوط
بجا [illegible] خواهد شد اگر
شك در زیاده کند یا قطع بنماید که هفت شوط را
بعمل آورده این شك اعتبار ندارد و اگر شك کند
میانهٔ دو و چهار و یا سه و پنج و یا پنج و هفت و مثل

تند و کند رفتن هر دو بی عیبست مستحب است
ما بین منارهٔ اول و دوم هروله کند بلکه احتیاط
اینست که هروله را ترک نکند هروله عبارت
از راه رفتن تند است مثل شتر ششم اینکه وقوف
[illegible] صفا و مروه [illegible] باشد و بر مروه
[illegible] اگر [illegible] بنحو قهقری [illegible]
[illegible] از هفت شوط
بجا [illegible] خواهد شد اگر
شك در زیاده کند یا قطع بنقیصه هفت شوط را
بعمل آورده آن شك اعتبار ندارد و اگر شك کند
میانهٔ دو و چهار و یا سه و پنج و یا پنج و هفت و مثل

ذلك السعي باطلست و بايد از سر بكيرد سعي را
واحوط آنستكه سعي با طهارت از حدث باشد
چنانچه احوط در ان مراعات موالاتست مثل
طواف فصل در تقصير [illegible] بدانكه ان نيز
از اعمال عمرهٔ تمتعست [illegible] بلكه واجبست [illegible] تقصير
بعد از فارغ شدن از سعي تقصير و احوط آنست
نيت كند باين [illegible]
از عمرهٔ تمتع واجب [illegible] الي [illegible] از خود
مقداري از موي سر يا ريش يا شارب يا ابرو يا بكيرد
بعضي از ناخنها او كرفتن تمام ناخنهاي انكشتان
نيز بي عيبست واحوط آنستكه بمقراض و نحو ان

ذلک السعی باطلست و باید از سر بگیرد سعی را
واحوط آنستکه سعی با طهارت از حدث باشد
چنانچه احوط در ان مراعات موالاتست مثل
طواف فصل بیست و هشتم در تقصیر استکه آن نیز
از اعمال عمرهٔ تمتعست [illegible] بلکه واجبست [illegible] متمم
بعد از فارغ شدن از سعی تقصیر و احوط آنست
نیت کند باین [illegible]
از عمرهٔ تمتع واجب [illegible] الی الله [illegible] بزند
مقداری از موی سر یا ریش یا شارب یا ابرو یا بگیرد
بعضی از ناخنها را و گرفتن تمام ناخنهای انگشتان
نیز بی عیبست واحوط آنستکه بمقراض و نحو آن

کم کند نه بتراشیدن بعض و در عمره هر واجبات احرام

وطواف و سعی بر کند و بفارغ شدن از عمره بتقصیر

نمودن شخص متمتع محل میشود و حلال میشود براو

جمیع چیزهایی [illegible] شده بود براو بسبب احرام عمره

و [illegible] احرام را در اینجا بیان [illegible] بعد

از [illegible] حج ان شاء الله تعالی باب دوم

در [illegible] است اول احرام مکه

[illegible] روز عرفه [illegible]

وقوف در مشعر در شب چهارم رفتن در

منی بعد از مشعر [illegible] جمره عقبه در روز

عید در منی ششم قربانی کردن در آنجا

[ب]کند نه بتراشیدن بعض و در عمره هرگاه از احرام

و طواف و سعی بر کنند و بفارغ شدن از عمره و تقصیر

نمودن شخص معتمر محل میشود و حلال میشود بر او

جمیع چیزها [illegible] بر او بسبب احرام عمره

و [illegible] احرام را در [illegible] بیان میشود اما بعد

[illegible] حج [illegible] تعالی باید دو

[illegible] است اول احرام از مکه

[illegible] وقوف در عرفه سیم

وقوف در مشعر در شب عید چهارم رفتن در

منی بعد از مشعر پنجم رمی جمره عقبه در روز

عید در منی ششم قربانی کردن در آنجا

هفتم سر تراشیدن بعد از انها هشتم طواف

کردن خانهٔ کعبه در همان روز بعد از اتمام منی نهم

دو رکعة نماز طواف در مقام ابرهیم دهم

سعی ما بین صفا و مروه یازدهم طواف نساء

دوازدهم دو رکعة نماز طواف نساء سیزدهم

عود بسوی منی شب یازدهم و دوازدهم در منی ماندن

چهاردهم رمی جمرات ثلاث کردن در روز

یازدهم و دوازدهم ... ...

سنگ ریزه زدن و کاهی لازم میشود زیاده بران

ماندن مانند شب سیزدهم و رمی جمرات در روز سیزدهم

پس این باب بعلاوه فصلی از برای بیان محرمات احرام

هفتم سر تراشیدن بعد از آنها هشتم طواف
کردن خانهٔ کعبه در همان روز بعد از اعمال منی نهم
دو رکعت نماز طواف در مقام ابرهیم دهم
سعی ما بین صفا و مروه یازدهم طواف نساء
دوازدهم دو رکعت نماز طواف نساء سیزدهم
عود بسوی منی در شب یازدهم و دوازدهم در منی ماندن
چهاردهم رمی جمرات ثلاثه کردن در روز
یازدهم و دوازدهم هر یک به هفت
سنگ ریزه زدن و گاهی لازم میشود زیاده بر آن
ماندن شب سیزدهم و رمی جمرات در روز سیزدهم
پس این باب بعلاوه فصلی از برای بیان محرمات احرام

مشتمل بر چند فصل است و قبل از شروع در فصول

بیان مینمائیم طریق اجمالی بردن عمره و حج را بر وجه

اجمال پس میگوئیم بدان که طریق حج تمتع است که محرم

شود شخص [illegible] یا اول افضل از روز هشتم

ذی الحجه در مکه [illegible] مسجد الحرام یا که تحت

میزاب [illegible] یا در حجر اسمعیل است که در احرام

[illegible] نیت احرام حج میکند

و [illegible] بالا عرفه پس میروند

شب نهم استحبابا در منی میمانند بجهت عبادت

خصوصا در مسجد حنیف روز نهم میروند در

عرفات همینکه ظهر شد در اول ظهر نیت میکنند

مشتمل بر چند فصل است و قبل از شروع در فصول

بیان میشود طریق [illegible] عمره و حج را بوجه

اجمال پس میگوییم بدان که طریق حج تمتع است که محرم

شود شخص [illegible] افضل از روز هشتم

ذی الحجه در مکه [illegible] مسجد الحرام بلکه تحت

[illegible] است که در احرام

[illegible] نیت احرام حج میکند

و [illegible] عرفه پس میروند

شب نهم استحبابا در منی میمانند بجهت عبادت

خصوصا در مسجد خیف روز نهم میروند در

عرفات همینکه ظهر شد در اول ظهر نیت میکنند

که وقوف در این عرفات میکنم از برای حجة الاسلام
واجب قربة الی الله تعالی و هم بند در انجا وجوبا
تا غروب آفتاب و مستحب است در عرفات توقف دعا
و ثنا و ابتهال و تضرع نمودن و بعد غروب شرعی از انجا
بیرون میروند بسمت مشعر و در مشعر میمانند
تا طلوع آفتاب [illegible] از برای حجة الاسلام و از انجا
بنا بر افضل سنگریزه [illegible]
از برای رمی جمرات [illegible]
میروند در منی و در انجا سه عمل بجا میاورند اول
هفت سنگریزه میزنند بجمرهٔ عقبه که معین معلوم
است دوم قربانی میکنند بذبح و یا نحر سیم

که وقوف در این عرفات میکنم از برای حجة الاسلام

واجب قربة الی الله تعالی و هم [illegible] در انجا وجوبا

الظهر و العصر و مستحب است در وقوفات توقف دعا

و ثنا و ابتهال و تضرع نمودن [illegible] شرعی از

بیرون میروند [illegible] در مشعر الحرام

تا طلوع آفتاب مستحب است [illegible] الاسلام [illegible] انجا

بنا بر افضل سنگریزه [illegible]

از برای [illegible]

میروند در منی و در انجا [illegible]

هفت سنگ ریزه میزنند بجمرهٔ عقبه که معین معلوم

است و دوم قربانی میکنند بذبح و یا نحر سیم

مردان سر میتراشند و زنان تقصیر میکنند و در تمام این
سه عمل باید با نیت باشند مثل سایر اعمال حج بعد از ان
بیرون میروند بسمت مکه و با نیت هفت شوط
طواف میکنند بجهة حجة الاسلام بهمان قسمیکه
مذکور شد در طواف عمره بعد از ان دو رکعة نماز
میکنند در مقام ابرهیم بنیت نماز طواف حجة الاسلام
بعد از ان سعی میکنند ما بین صفا و مروه هفت شوط
بان بجهة حج بنیت بعد از ان هفت شوط طواف
نسا میکنند بعد از ان دو رکعة نماز طواف نسا
میکنند در مقام ابرهیم ع بنیت نماز طواف نسا
بعد از ان بر میگردند بسوی منی برای ماندن شب

مردان سر میتراشند و زنان تقصیر میکنند و در تمام این
سه عمل باید بانیت باشند مثل سایر اعمال حج بعد از ان
بیرون میروند بسمت مکه و بانیت هفت شوط
طواف میکنند بجهة حجة الاسلام بهمان قسمیکه
مذکور شد مرطوف تمتع بعد از ان دو رکعة نماز
میکنند در مقام ابرهیم بنیت نماز طواف حجة الاسلام
بعد از ان سعی میکنند ما بین صفا و مروه هفت شوط
بانیت حجة الاسلام بعد از ان هفت شوط طواف
نسا میکنند بعد از ان دو رکعة نماز طواف نسا
میکنند در مقام ابرهیم ع بنیت نماز طواف نسا
بعد از ان برمیگردند بسوی منی برای ماندن شب.

در منی [illegible] بروند که وقت غروب احتیاطاً در
منی باشند پس شب یازدهم بمانند در منی با مراعات
نیت و در روز یازدهم هر یک از سه جمره هفت
سنگ بزنند که مجموع بیست و یک سنگ میشود
با مراعات نیت و ترتیب [illegible] و همچنین [illegible] بمانند
نیت با مراعات شب در منی و سنگ بزنند
روز دوازدهم [illegible] از ظهر [illegible]
که تمام میشود اعمال [illegible]
اجتناب از صید و نسا نموده باشد الا باید بماند
شب سیزدهم و رمی جمرات ثلاث کند در روز سیزدهم
بعد کوچ کند اگر چه قبل از زوال باشد و همچنین

در منی بنحوی بروند که وقت غروب احتیاطاً در
منی باشند پس شب یازدهم بمانند در منی با مراعات
نیت و در روز یازدهم هر یک از سه جمره هفت
سنگ بزنند که مجموع بیست و یک سنگ میشود
با مراعات نیت و ترتیب [illegible] و همچنین [illegible] بمانند
نیت با مراعات شب [illegible] و سنگ میزنند
روز دوازدهم [illegible] از ظهر بیاید
که تمام میشود اعمال [illegible]
اجتناب از صید و نسا نموده باشد الا باید بماند
شب سیزدهم و رمی جمرات ثلاث کند در روز سیزدهم
بعد کوچ کند اگر چه قبل از زوال باشد و همچنین

کسیکه شب سیزدهم بعد از غروب در منی مانده
باشد روز دوازدهم از منی کذشته باشد
واجب میشود براو ماندن در شب سیزدهم برای
رمی روز سیزدهم [illegible] مذکوره پس تمام میشود
اعمال حج بر محرمان ثلاثه در روز دوازدهم یا
سیزدهم [illegible] است از اعمال حج چون بنا
داشتیم [illegible] شروع می نمائیم در تفصیل
و [illegible] اختصار پس میگوئیم
فصل اول در احرام حج است بدانکه واجبست
واقع ساختن احرام حج در مکهٔ معظمه وافضل
امکنهٔ آن در مکه مسجد الحرام است وافضل

کسیکه شب سیزدهم بعد از غروب در منی مانده
باشد روز دوازدهم از منی گذشته باشد
واجب نمیشود بر او ماندن در شب سیزدهم برای
رمی [illegible] مذکور پس تمام میشود
اعمال حج برمی جمرات ثلاثه در روز دوازدهم
[illegible] اعمال حج چون بنا
[illegible] فارغ می‌نمائیم در تفصیل
[illegible] مختصر پس میگوئیم

فصل اوّل در احرام حجّ است بدانکه واجب است
واقع ساختن احرام حج در مکهٔ معظمه وافضل
امکنهٔ آن در مکه مسجد الحرام است وافضل

ازان خصوص تحت ناودان طلا و مقام حضرت
ابرهیم است و زمان احرام حج بعد از تقصیر عمرهٔ
تمتّعست و احتیاط در اینست که در روز هشتم
محرم شود برای حج و بعد از [illegible] بهمان موضع
احرام رفع صوت بتلبیه نماید بعد احرام و حج
اگر طواف نماید [illegible]
و مستحبّست که [illegible]
نماز ظهر و یا ظهر و عصر [illegible] بعد از [illegible]
چهار رکعت و یا دو رکعت نماز بان تفصیلیکه در
احرام عمره گذشت پس بیرون رود بعد محرم
شدن رو بمنی و مستحبست که بعد از احرام

از آن خصوص تحت ناودان طلا و مقام حضرت
ابرهیم است و زمان احرام حج بعد از تقصیر عمرهٔ
تمتّع است و احتیاط در اینست که در روز هشتم
محرم شود برای حج و بعد ا[illegible] همان موضع
احرام رفع صوت بتلبیه نماید و بعد احرام و حج
اگر طواف نماید [illegible]
و مستحبست که [illegible]
نماز ظهر و یا ظهر و عصر [illegible]
چهار رکعت و یا دو رکعت نماز بآن تفصیلیکه در
احرام عمره گذشت پس بیرون رود بعد محرم
شدن بمنی و مستحبست که بعد از احرام

بی فاعة و در ناث روبمنی روانه شود هر چند
وقت وسعت داشته باشد و کیفیت احرام از هر
جهت و در هر باب در اینمقام نحویست که در احرام
عمره بیان شد [illegible] را در منی بماند و مشغول
[illegible] شود [illegible] و تلبیه را
[illegible] انگاه قطع کند و
[illegible] شب را در منی بماند
و [illegible] نکند و مستحبست
اکثار ذکر الله در احرام و حفظ لسان الا من خیر
شهید اول در دروس میفرمایند که این فقره
از اتمام حجست یعنی حج بدون این فقره ناقص است

فصل ثانی

بی فاصله و در روز ترویه بمنی روانه شود هر چند
وقت وسعت داشته باشد و کیفیت احرام از هر
جهت و در هر باب در اینمقام مشروحست که در احرام
عمره [illegible] در منی بماند و مشغول
[illegible] شود خصوص [illegible] و تلبیه را
[illegible] انگاه قطع کند و
[illegible] شب را در منی بماند
و [illegible] نکند و مستحبست
اکثار ذکر الله در احرام و حفظ لسان الا من خیر
شهید اول در دروس میفرمایند که این فقره
از اتمام حجست یعنی حج بدون این فقره ناقصست

فصل ثانی

فصل ثانی در بیان محرمات احرام است بدانکه
حرام نمیشود بر محرم هیچیک از محرمات احرام
مگر بعد از تلبیه که آن بمنزلهٔ تکبیرة الاحرام است
در نماز بمجرد گفتن تلبیه جمیع آنها بالاحرام
بر او حرام میشود و محرمات احرام چند چیز است
که واجبست ترک آنها اوّل [illegible]
صحرائی و کشتن [illegible]
بروی آن باشد و [illegible]
صید باشاره یا نوشتن یا نحو آن که باعث صید
کردن شود هرچند صیاد غیر محرم باشد و
همچنین است خوردن گوشت آن [illegible]

فصل ثانی در بیان محرمات احرام است بدانکه
حرام نمیشود بر مُحرِم هیچیك از محرّمات احرام
مگر بعد از تلبیه که آن بمنزلهٔ تکبیرة الاحرام است
در نماز بمجرد گفتن تلبیه [illegible] بنیت احرام
براو حرام میشود. محرمات احرام چند چیز است
که واجبست ترك آنها اوّل [illegible]
صحرائی وکشتن [illegible]
بروی آن باشد و [illegible]
صید باشاره یا نوشتن یا بخواندن که باعث صید
کردن شود هرچند صیّاد هم محرم نباشد و
همچنین است خوردن گوشت آن [illegible]

ر با ذبح کنند ان و با هر دو محرم نباشند و همچنین
است خوردن تخم صید صحرائی حرام نیست
صید کردن حیوان دریائی و نه خوردن گوشت
ان و نه تخم ان و همچنین حیوان اهلی مانند
[illegible] اهلی و گاو اهلی و شتر [illegible] و مانند
مرغ خانگی [illegible] صید کردن ان و نه خوردن گوشت
ان و نه شکستن تخم ان و نه خوردن و مراد ان
[illegible] که تعیش و تناسل
ان در دریا باشد چه تخم گذاشتن در انجا و
بچه عمل اوردن در ان مثل جوجه و با بچه عمل
امدن در ان مثل ماهی و با بغیر تخم گذاشتن مثل

با ذبح کنند ان و با هر دو محرم نباشند و همچنین
است خوردن تخم صید صحرائی حرام نیست
صید کردن حیوان دریائی و نه خوردن گوشت
ان و نه تخم [illegible] و همچنین حیوان اهلی مانند
گوسفند اهلی و گاو اهلی و شتر [illegible] و مانند
مرغ خانگی [illegible] ذبح کردن انها و خوردن گوشت
[illegible] و نه خوردن و مراد ان
[illegible] تعیش و تناسل
ان در دریا باشد چه تخم گذاشتن در انجا و
بچه عمل اوردن در ان مثل جوجه و با بچه عمل
امدن در ان مثل ماهی و با بغیر تخم گذاشتن مثل

زایید در آن و اگر موضوعی را شک کنند که آیا
صحیح بوده است یا نه بنای احتیاط کند اگرچه اظهر
الحاق آنست به بنای دوم جماع کردنست
چه در قبل و چه در دبر اگرچه بعد از لمس و
نظر بشهوت کردن بزن باشد جماع کردنست حرام
سیم عقد کردن چه از برای خود چه از برای دیگری
و شاهد بر عقد شدن [illegible] دادن
چهارم استمنا یعنی طلب منی از خود نمودن
باختیار خواه بدست خواه بخیال و خواه غیر اینها
پنجم استعمال بوی خوش و بوئیدن آن مثل
مشک و عنبر و زعفران و مطلق عطریات بلکه

زایند دران واگر موضوعی را شك كنند كه آیا
صحیح نیست یا نه بنا بر احتیاط كند اگرچه اظهر
الحاق آنست بدریائی دوم جماع کردنست
چه در قبل وچه در دبر [illegible] ولمس و
نظر بشهوت کردن بزن مثل جماع کردنست الا
سیم عقد کردن چه از برای خود چه از برای دیگری
و شاهد بر عقد [illegible] دن
چهارم استمناء [illegible] نمودن
باختیار خواه بدست خواه بخیال وخواه غیر اینها
پنجم استعمال بوی خوش و بوئیدن ان مثل
مشك وعنبر وزعفران ومطلق عطریات بلكه

مطلق آنچه صاحب بوی خوش باشد و عادت
اخذ شده باشد از برای بوییدن حتی ریاحین
بنا بر احوط ششم استعمال کردن روغن در بدن
مطلقا هر [illegible] باشد حتی بد بو و روغنهای
[illegible] بنا بر الاحوط و [illegible] میوه های خوشبو
[illegible] وقت خوردن چنین میوه
[illegible] احوط بو نکردن
بنفشه و [illegible] بلکه احتیاط شدید
در ترك بو کردن بعضی از میوه های پر بواست
و بجهة خلوق کعبه گرفتن بینی لازم نیست و
بوهای خوش موجود نزد عطارهای ما بین

مطلق انچه صاحب بوی خوش باشد و عادت
اخذ شده باشد از برای بوییدن حتی ریاحین
بنا بر احوط ششم استعمال کردن روغن در بدن
مطلقا [illegible] حتی بدبو و روغنهای
[illegible] الاحوط و [illegible] میوه های خوشبو
[illegible] وقت خوردن چنین میوه
[illegible] احوط بو نکردن
[illegible] بلکه احتیاط شدید
در ترك بو کردن بعضی از میوه های پر بو است
و بجهة خلوق کعبه گرفتن بینی لازم نیست و
بوهای خوش موجود نزد عطارهای مابین

صفا و مروه ظاهراً مستثنی است پس لازم نیست
هنگام سعی ما بین صفا و مروه کردن دماغ آن
بو طیبها با امکان و سهولت البته اگر شخص بگیرد بهتر
بلکه احوط است هفتم زینت کردن مثل
سرمه بچشم کشیدن و حنا بستن و انگشتر زینتی
برای زینت پوشیدن [illegible] زنها از [illegible]
عادت ایشان [illegible]
زینت و اظهار کردن زینت [illegible] برای شوهر
خود یا از برای مطلق [illegible] همهٔ اینها بنا بر احتیاط
هشتم نگاه کردن در آئینه در صورت اختیار
هرچند از برای زینت کردن باشد یا از برای بستن

صفا و مروه ظاهراً مستثنی است پس لازم نیست
هنگام سعی ما بین صفا و مروه گرفتن دماغ از آن
بوها با امکان و سهولت البته اگر شخص بگیرد بهتر
بلکه احوط است هفتم زینت کردن مثل
سرمه بچشم کشیدن و حنا بستن و انگشتر زینتی
برای زینت پوشیدن و پوشیدن زنان از زیورها
عادت ایشان نبوده پوشیدن آنها غیر از آنچه
زینت و اظهار کردن زینت از برای شوهر
خود یا از برای مطلق محارم همهٔ اینها بنا بر احتیاط
هشتم نگاه کردن در آئینه در صورت اختیار
هرچند از برای زینت کردن باشد یا از برای بستن

سر و اصلاح مقنعه سر باشد نهم ناخن گرفتن و
ازاله کردن موی سر و ریش و سایر بدن خصوصاً
هر چند کم باشد و احوط کیسه کشیدن بدنست
از برای ازالهٔ چرک اگر نباشد دست مالیدن
بدن است از برای ازالهٔ چرک دهم
... ... است در
مجالس ... ... علی الاحوط
یازدهم ... ... نام دادن و فخر
به کفش است دوازدهم پوشیدن لباس
دوخته از برای مردان در حال اختیار نه زنان
همیان پول و کمرکیسه با خود داشتن ضرر ندارد

و اگرچه

سیزدهم اصلاح مقنعه سر باشد چهاردهم ناخن گرفتن و
ازاله کردن موی سر و ریش و سایر بدن خصوصاً
هر چند که باشد واحوط کیسه کشیدن بدنست
از برای ازاله چرک یا کرنک دست مالیدن
بدن است از برای ازاله چرک نیز دهم
[illegible] اسب در
[illegible] علی الاحوط
یازدهم [illegible] نام دادن و فخر
به کفتن است دوازدهم پوشیدن لباس
دوخته از برای مردان در حال اختیار نه زنان
همیان پول و کمر کیسه با خود داشتن ضرر ندارد

و اگرچه ظاهر آنست که مع الامکان وضعی از
درست کنند که صدق دو ختنه بر آن نباید این
در هر حال عدم حاجت باختیار است اما در حال
اضطرار و مثال غالب سفار [illegible] بمکه پس
بود اشتباه [illegible] مشکل است [illegible]
از زنان لباس [illegible] [illegible] بکنند
بعضی که [illegible] [illegible] زنان
[illegible] و ختنه [illegible] [illegible] است
و آن باید چیزی باشد شبیه بدستکش والله العالم
سیزدهم راه رفتن و طواف کردن در زیر سایبان
ولو سوار و در کجاوه از برای مردان در حال اختیار

و اگر چه ظاهر انست که مع الامکان وضعی ازا
پرست کنند که صدق دوخته بران نباید این
در حال عدم حاجت و اختیار است اما در حال
اضطرار مثل غالب سفرها [illegible] پس
بود اشان شبهه [illegible] اشکال است و بعضی
زنان لباس دوخته [illegible] نکنند
بعضی که [illegible] زنان
[illegible] دوخته [illegible]
وان باید چیزی باشد شبیه بدستکش والله العالم
سیزدهم زاد رفتن و [illegible] فکردن در زیر سایبان
ولو سوار رود در کجاوه از برای مردان در حال اختیار

بلی عیبی ندارد در راه رفتن در سایهٔ کجاوه و محمل و نحو
آن بنحویکه در زیر کجاوه و محمل واقع نشود این
در حال راه رفتن است اما بعد منزل کردن
و قرار گرفتن نشستن در زیر سایبان و خیمه و نحو آن
[illegible] حتی سایه [illegible] بلکه حتی در رفتن
[illegible] در [illegible] و نحو آن و از برای
زنان [illegible] انداختن پس
جا [illegible] نشستن در کجاوه
با سر پوش و چیز بالای سر گرفتن در راه رفتن
و غیر ذلک و [illegible] پوشیدن سر است از برای
مردان ولو گوش باشد بنا بر هر چند بعضی از آن باشد

بای غیر رندارد در راه رفتن در سایهٔ کجاوه و محمل و نحو
آن مخفی بکه در زیر کجاوه و محمل واقع نشود اما این
در حال راه رفتن است اما بعد منزل کردن
و قرار گرفتن نشستن در زیر سایبان مشاخیم و نحو آن
ضرر ندارد حتی سایه [illegible] بلکه حتی در زیر رفتن
[illegible] در زیر [illegible] و نحو آن و از برای
زنان [illegible] بر انداختن پس
جا [illegible] نشستن در کجاوه
با روپوش و چیز بالای سر گرفتن در راه رفتن
و غیر ذلک چهارده محرم پوشیدن سر است از برای
مردان و لو گوش باشد بنابر هر چند بعید است باشد

بلکه

بلکه هرچند بار تماس نمودن دراب او ماندان
باشد حتی دست بر سر گذاشتن را نیز ترک کنند
علی الاحوط مگر برای مسح وضو اما زنان پس حرام نیست
برایشان پوشانیدن سر بلکه برایشان حرام است
پوشاندن صورت [illegible] با تماس [illegible] علی الاحوط
واگر محتاج [illegible] [illegible] محرم [illegible]
رو را بپوشانند [illegible]
برنخورند یا نزدیک [illegible] پشت
پا را نخو چکمه و کفش بلکه بستن مثل دستمال
نیز بی ضرورت علی الاحوط بلی پوشیدن نعل
عربی که بندهای آن بعضی از پشت پا را میپوشاند

بلکه هرچند بار تماس نمودن در آب او ماندن

نباشد حتی دست بر سر گذاشتن را نیز ترک کنند

علی الاحوط مگر برای مسح وضو اما زنان پس حرام نیست

بر ایشان پوشانیدن سر بلکه بر ایشان حرام است

پوشاندن صورت [illegible] بار تماس [illegible] علی الاحوط

واگر محتاج لبس [illegible] فدیه

دو را بپوشانند [illegible]

بر نخورند یا نزدیک [illegible] پشت

پا را بجو چکمه و کفش بلکه بپوشیدن مثل دستمال

نیز بی ضرورت علی الاحوط بلکه پوشیدن نعل

عربی که بندهای آن بعضی از پشت پا را میپوشاند

ضرر ندارد شانزدهم بیرون آوردن خون

از بدن بفصد کردن یا حجامت کردن و یا

بخاریدن در حال اختیار چه کم باشد و چه زیاد بحیثی

[illegible] اگر خون از آن بیرون

[illegible] علی الاحوط هفدهم کشیدن دندان

علی الاحوط [illegible] خون از آن بیرون نیاید

[illegible] آوردن خون

و [illegible] هجدهم پوشیدن

اسلحه است بدون ضرورت نوزدهم

کشتن جانورانیکه در بدن باشد مانند

شپش و کیک و کنه و مخوان و انداختن آنها

ضرر ندارد شانزدهم بیرون آوردن خون
از بدن بفصد کردن یا حجامت کردن و یا
بخوان در حال اختیار هر چه کم باشد و [illegible]
بخارانیدن [illegible] یا دندان و اگر خون از آن بیرون
بیاید علی الاحوط هفدهم کشیدن دندان
علی الاحوط [illegible] اگر خون از آن بیرون بیاید
یا [illegible] بیرون آوردن خون
و [illegible] هیجدهم پوشیدن
اسلحه است بدون ضرورت نوزدهم
کشتن جانوریکه در بدن باشد مانند
شپش و کیک و کنه و بخوان و انداختن آنها

لکن الاحوط [illegible] بیستم انداختن کنهٔ شتران جز
آن و چه کوچک بیست و یکم ناخن گرفتن بیست و دوم
بریدن و کندن درخت و گیاهی که در حرم روئیده
و شکستن شاخهای آنها [illegible] برگهای آنها
مگر اینکه از غرس کردهای خود محرم باشد
و یا در منزل مملوکهٔ او [illegible] شد و اذخر
میوه و علف اذخر [illegible]
ندارد و ظاهر [illegible]
خشک شده نیز همین حکم را دارد که شکستن و کندن
انها ضرر ندارد و همچنین [illegible] که چو بیست
متعلق بشتر از برای بعضی اعمال مستثنی است چنانچه

لکن الاحوط ببیستم انداختن کنه شتر از جرم بزرگ

آن وجه کوچک بیست و یکم ناخن گرفتن بیست و دوم

بریدن و کندن درخت و گیاهی که در حرم روئیده

و شکستن شاخهای آنها [illegible] برگهای آنها

مگر اینکه از غرس کرده شده خود محرم باشد

و یا در منزل مملوک او روئیده شده و اذخر

میوه و علف اذخر [illegible] و قطع [illegible]

ندارد و ظاهر ادر [illegible] شکستن و کندن اینها ای

خشکشده نیز همین حکم را دارد که شکستن و کندن

آنها ضرر ندارد و همچنین عماله که چوب بیست

متعلق بشتر از برای بعضی اعمال مستثنی است چنانچه

جمعی تصریح بآن نموده اند فصل سیم در وقوف

بعرفات وبیان مسائل آن است بدان اولا که

مستحب است که روز نهم بیرون روند از مکه برای

وقوف [illegible] شرط سهولت و عدم زحمت و

[illegible] بگوید اَللّٰهُمَّ

اِیّاکَ [illegible] دَعْوَة فَلْتُغْنِی سائلی وَاَصْلِح

[illegible] بگوید اَللّٰهُمَّ

[illegible] بِهِ عَلَیْنا مِنَ المَناسِک

فَاَسْئَلُکَ اَنْ تَمُنَّ عَلَیَّ بِما مَنَنْتَ بِهِ عَلی اَنْبِیائِک

وَرُسُلِکَ فَاِنَّما اَنا عَبْدُکَ وَفِی قَبْضَتِکَ وَاکر

قبل از زوال مکه بیرون آمده باشد برای وقوف

جمعی تصریح بآن نموده اند فصل ششم در وقوف
بعرفات و بیان مسائل آن است بدانکه اولا که
مستحب است روز نهم بیرون رفتن از منی برای
وقوف بعرفات بشرط سهولت عدم زحمت و
...
اَللّٰهُمَّ
اِیَّاکَ ... دَعَوْتُ فَلْتَغْنِی اَمَلِی وَاَصْلِحْ
اِنْکَلِی ... بگوید اَللّٰهُمَّ
... بِهِ عَلَیْنَا مِنَ الْمَنَاسِکِ
فَاَسْئَلُکَ اَنْ تَمُنَّ عَلَیَّ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَی اَنْبِیَائِکَ
وَرُسُلِکَ فَاِنَّمَا اَنَا عَبْدُکَ وَفِی قَبْضَتِکَ وَاَکْرِ
قبل از زوال مکه بیرون امده باشد برای وقوف

نماز ظهر و عصر را در منی بجا آورد و سنتست که شب
عرفه را در منی بماند و نماز صبح را در آنجا بخواند بعد
از آن روانه عرفات شود و بهتر آنست که قبل از فجر
از منی حرکت نکند بلکه حرکة قبل از فجر محتمل الحرمة است
و در وقت رفتن بگوید اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ صَمَدْتُ وَاِيَّاكَ
اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ اَرَدْتُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُبَارِكَ
لِي فِي رِحْلَتِي وَاَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَاَنْ تَجْعَلَنِي
مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ اَفْضَلُ مِنِّي پس تلبيه
گويان روانه میشود و سنتست که در جانب چپ کوه
عرفات بايستد با خضوع و خشوع و ابتهال مشغول
بدعا و ذکر و ثنا شود و احوط آنستکه نوعی کند که از

نماز ظهر و عصر را در منی بجا آورد و سنتست که شب
عرفه را در منی بماند و نماز صبح را در آنجا بخواند بعد
از آن روانه عرفات شود و بهتر آنست که قبل از فجر
از منی حرکت نکند بلکه حرکة قبل از فجر محتمل الحرمة است
و در وقت رفتن بگوید اَللّٰهُمَّ اِلَیْكَ تَوَجَّهْتُ وَ اِیَّاكَ
اعْتَمَدْتُ وَ وَجْهَكَ اَرَدْتُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُبَارِكَ
لِی فِی رِحْلَتِی وَ اَنْ تَقْضِیَ لِی حَاجَتِی وَ اَنْ تَجْعَلَنِی
مِمَّنْ تُبَاهِی بِهِ الْیَوْمَ مَنْ هُوَ اَفْضَلُ مِنِّی و لبیه
گویان روانه میشود و سنتست که در جانب چپ کوه
عرفات بایستد با خضوع و خشوع و ابتهال مشغول
بدعا و ذکر و ثنا شود و احوط آنستکه نوعی کند که از

اول زوال تا غروب شرعی در عرفات باشد و از
حدود عرفات که بطن عرنه و اراک و ذی المجاز است
خارج نشود خواه ایستاده خواه نشسته خواه راه
برود و واجب [illegible] بودن در عرفاتست و رکن
[illegible] وقوف در عرفاتست
[illegible] الکه من باب المقدمه
[illegible] بالای کوه نرود که
[illegible] جمیع احوال مشغول ذکر
و دعا شوند و از برای برادران ایمانی از احیاء و اموات
دعا کنند که انشاء الله باعث اجابة دعوات در
حق خود ایشان خواهد شد ترک دعا و ذکر مهما

اول زوال تا غروب شرعی در عرفات باشد و از
حدود عرفات که بطن عرنه و اراك وذی المجاز است
خارج نشود خواه ایستاده خواه نشسته خواه دراه
برود واجب است و اول بودن در عرفات رکن
[illegible] وقوف در عرفات
[illegible] من باب مقدمه
[illegible] بالای کوه نرود که
[illegible] جمیع احوال مشغول ذکر
ودعا شوند و از برای برادران ایمانی از احیاء واموات
دعا کنند که انشاء الله باعث اجابة دعوات در
حق خود ایشان خواهد شد ترك دعا وذکر مهما

امکن فکنند که خلاف احتیاطست و دعوات عرفات
در کتب مبسوطه و بعضی از آن در زاد المعاد علامه
مجلسی اعلی الله مقامه مسطور است بن وجیزه
کتابش ذکر [illegible] آفتاب در
عرفات مشغول باشد بعد از غروب [illegible]
روانه شود فصل [illegible]
بدانکه چون بعد [illegible]
ذی الحجه است [illegible] شود
بگوید اللهم لا تجعله آخر العهد من هذا الموقف
وارزقنیه ابدا ما ابقیتنی واقلبنی الیوم مفلحا
منجحا مستجابا لی مرحوما مغفورا لی بافضل ما ینقلب

امکن فکنند که خلاف احتیاط است و دعوات عرفات
در کتب مبسوطه و بعضی از آن در زاد المعاد علامه
مجلسی اعلی الله مقامه مسطور است بن وجیزه
کتابش ذکر [illegible] تا غروب آفتاب در
عرفات مشغول باشد بعد از غروب بمشعر
روانه شود فصل [illegible] مشعر است
بدانکه چون بعد [illegible]
ذی الحجه است از عرفات [illegible] شود
بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هٰذَا الْمَوْقِفِ
وَارْزُقْنِيهِ اَبَداً مَا اَبْقَيْتَنِي وَاَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحاً
مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِي بِاَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ

بِنَا الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَأَعْطِنِي
أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ
وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ
إِلَيْهِ مِنْ [illegible] وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ
و [illegible] كه در هنگام رفتن بسوی مشعر بار مى
[illegible] و چون کثیب
[illegible] باشد برسید که
[illegible] راست اورا میگوید
اللَّهُمَّ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ وسنتست كه در شب
عید جمع کند ما بین نماز مغرب و عشا بیک اذان
و دو اقامه و در مشعر نماز عشاء و مغرب شب عید را

بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَأَعْطِنِي
أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ
وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ
إِلَيْهِ مِنْ أَهْلٍ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ
وسنتست كه در هنگام رفتن بسوى مشعر بارامى
[illegible] وچون بكثيب
[illegible] بباشد رسيد كه
آن [illegible] راست انرا ميكويد
اَللّٰهُمَّ اَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ وسنتست كه در شب
عيد جمع كند ما بين نماز مغرب وعشا بيك اذان
ودو اقامه ودر مشعر نماز عشاء ومغرب شب عيد را

بجا آورده و اینها بخوانند اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ جَمْعٌ اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَسْئَلُکَ اَنْ تَجْمَعَ لی فیها جَوامِعَ الْخَیْرِ اَللّٰهُمَّ
لاٰ تُؤْیِسْنی مِنَ الْخَیْرِ الَّذی سَئَلْتُکَ اَنْ تَجْمَعَهُ
لی فی قَلْبی وَاَسْئَلُکَ اَنْ تُعَرِّفَنی ما عَرَّفْتَهُ
اَوْلِیائَکَ فی مَنْزِلی هٰذا وَاَنْ تَقِیَنی جَوامِعَ
الشَّرِّ و بوسه [illegible] که در
مشعر عظیم از برای [illegible]
و در وقت صبح نیز [illegible]
بماند تا طلوع آفتاب و ضرر ندارد خوابیدن بعد
از نیت هر چند مرجوح است و رکن وقوف بین
طلوعین است و وقوف اضطراری عرفات شب

بجا آورد و ابن دعا بخواند اللّهمّ هذه جمعٌ اللّهمّ
انّی اسئلک ان تجمع لی فیها جوامع الخیر اللّهمّ
لا تؤیسنی من الخیر الّذی سئلتک ان تجمعه
لی فی قلبی و اسئلک ان تعرّفنی ما عرّفته
اولیائک فی منزلی هذا و ان تقینی جوامع
الشّرّ و بوسیدن مشعر بنیت تبرّکه فی حجّ
مشعر عظیم از برای مَنْ [illegible]
و در وقت صبح [illegible]
بماند تا طلوع آفتاب فرض بدارد خوابیدن بعد
از نیت هر چند هرچ هست و ترک وقوف بین
طلوعین است و وقوف اضطراری عرفات شب

عید است و اضطراری مشعر بعد از طلوع آفتاب است
تا ظهر روز عید و مستحبست احیاء شب در مشعر
بدعا و ذکر و قرائت قرآن پس هر که احیاء کند
شب را در مشعر [illegible] تا شب روز که می میرند دلها
[illegible] مستحبست از [illegible] حاجی باشد یعنی
[illegible] که [illegible] و [illegible] او [illegible] م بزند در مشعر
[illegible] الا بر و د بر قزح که
[illegible] اینجا دعا بخواند و
دانستی که سنت است دعا خواندن در مشعر
لکن [illegible] کمال مطلوبیت دارد و
بعد از نماز این دعا را بخواند اللّهمّ ربّ المشعر الحرام

عید است و اضطراری مشعر بعد از طلوع آفتاب است
تا ظهر روز عید و مستحبست احیاء شب در مشعر
بدعا و ذکر و قرائت قرآن پس هر که احیا کند
شب را در مشعر [illegible] تا شب روز بکه می میرند دلها
[illegible] است از [illegible] حاجی باشد یعنی
[illegible] که [illegible] حج او [illegible] بزند در مشعر
[illegible] الا برود بر قزح که
[illegible] آنجا دعا بخواند و
دانستی که سنتست دعا خواندن در مشعر
[illegible] کمال مطلوبیت دارد و
بعد از نماز این دعا را بخواند اللّهمّ ربّ المشعر

نْكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَاَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ

الْحَلَالِ وَادْرَءْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ اِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَ

خَيْرُ مَسْئُولٍ وَلِكُلِّ وَافِدٍ [illegible] جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ

جَائِزَتِي فِي مَوْقِفِي هٰذَا اَنْ تُقِيلَنِي [illegible]

تَقَبَّلَ مَعْذِرَتِي وَاَنْ تَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي

اجْعَلِ التَّقْوىٰ مِنَ [illegible] زَادِي [illegible]

بفرستد بر پيغمبر [illegible]

خداوند را وچون آفتاب بر کوه بتابد اعتراف

بکناهان خود نمايد و هفت نوبت استغفار

کند و مستحبست برداشتن هفتاد سنکريزه

فك رقبتي من النار واوسع علي من رزقك
الحلال وادرء عني شر فسقة الجن والانس
اللهم انت خير مطلوب اليه وخير مدعو و
خير مسئول ولكل وافد جائزة فاجعل
جائزتي في موقفي هذا ان تقيلني عثرتي و
تقبل معذرتي وان تتجاوز عن خطيئتي و
اجعل التقوى من الدنيا زادي ثم صلوات
بفرستد بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وشکر کند
خداوند را وچون آفتاب برکوه بتابد اعتراف
بگناهان خود نماید وهفتاد نوبت استغفار
کند ومستحب است برداشتن هفتاد سنگریزه

در شب از زمین مشعر از برای رمی جمرات وان را
از غیر زمین مسجد بردارد فصل پنجم در اعمال
مراجعت از مشعر بمنی است بدانکه بعد از عمل
وقوف در مشعر که وقتش شب عید است تا طلوع
آفتاب چنانچه دانستی و مستحبات آن در آنجا
[illegible] بعد از طلوع آفتاب روز عید
[illegible] بعد در منی و مستحب است
که [illegible] وادی محسّر بعد از طلوع
آفتاب هروله کنند و این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ
عَهْدِی وَاقْبَلْ تَوْبَتِی وَاَجِبْ دَعْوَتِی وَاخْلُفْنِی
فِیمَنْ تَرَکْتُ بَعْدِی وبعد از آمدن از مشعر

در شب از زمین مشعر از برای رمی جمرات وان را
از غیر زمین مسجد بردارد **فصل پنجم** در اعمال
مراجعت از مشعر بمنی است بدانکه بعد از عمل
وقوف در مشعر که وقتش شب عید است تا طلوع
آفتاب چنانچه دانستی و مستحبات آن در اینجا
[illegible] بعد از طلوع آفتاب روز عید
[illegible] بند در منی و مستحب است
که [illegible] وادی محسّر بعد از طلوع
آفتاب هروله کنند و این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ
عَهْدِی وَاقْبَلْ تَوْبَتِی وَاَجِبْ دَعْوَتِی وَاخْلُفْنِی
فِیمَنْ تَرَکْتُ بَعْدِی و بعد از آمدن از مشعر

بمنی و چون برسند

تمتع واجبست هر عملی که در این سه فصل ملحق
بان فصل بیان میشود **فصل ششم** در رمی جمرات
و مسائل متعلقه بانست بدانکه از جمله اعمال حج
رمی جمرات است رمی اول [illegible] جمره عقبه است
که اول از اعمال [illegible] روز عید است [illegible]
بعد آمدن از مشعر [illegible] رمی از اول طلوع
آفتابست تا غروب [illegible] جمره اولی
و وسطی و جمره عقبه [illegible] بیان میشود
در روز یازدهم و دوازدهم است بعد از عود
از مکه و اعمال آنجا از طواف و سعی و طواف نسا
و نماز آن بمنی و معتبر است در سنگ رمی جمرات

بمنی واجب است عمل که در این سه فصل ملحق
بآن فصل بیان میشود **فصل ششم** در رمی جمرات
و مسائل متعلقه بآنست بدانکه از جمله اعمال حج
رمی جمرات است رمی اوّل [illegible] عقبه است
که اوّل از اعمال [illegible] است در روز عید است [illegible]
بعد [illegible] [illegible] از [illegible]
آفتاب است تا غروب [illegible] بجمره اولی
و وسطی و جمرهٔ عقبه [illegible] بیان میشود
در روز یازدهم و دوازدهم است بعد از عود
از مکّه و اعمال آنجا از طواف و سعی و طواف نساء
و زمان آن بمنی و معتبر است در سنگ رمی جمرات

چند چیز اوّل آنکه ماخوذ از حرم باشد و دگر شد
که مستحب است تمام سنگ رمی را که هفتاد عدد است
شب در زمین مشعر بردارند دوّم آنکه باید
حقیقةً [illegible] مسامحه مثل بعضی از
چیزهائیکه شبیه بسنگ است در صلابت و در
[illegible] باید خیلی درشت
[illegible] نباشد که ان مسمی
[illegible] اینکه بکر باشند یعنی
مستعمل حاجی دیگر یا مستعمل شرعی خود این را می
نباشد پنجم اینکه ماخوذ از مسجد نباشد
هر مسجد که باشد ششم آنکه پاك باشد

چند چیز اوّل آنکه ماخوذ از حرم باشد و ذکر شد

که مستحب است تمام سنگ رمی را که هفتاد عدد است

شب در زمین مشعر بردارند دوّم آنکه باید

حقیقة سنگ باشد نه مسامحه مثل بعضی از

چیزها که شبیه بسنگ است در صلابت و در

و [illegible] سوّم آنست باید خیلی درشت

و [illegible] نباشد که از مسمّی

[illegible] چهارم اینکه بکر باشد یعنی

مستعمل حاجی دیگر یا مستعمل شرعی خود این رمی

نباشد پنجم اینکه ماخوذ از مسجد نباشد

هر مسجد که باشد ششم آنکه پاك باشد

علی الاحوط

علی الاحوط و مستحبست که ماخوذ از زمین مشعر

باشد چنانکه ذکر شد و نرم باشد نخشن و از

زمین برداشته باشد نه اینکه از سنگ شکسته

اخذ کرده باشد و سیاه و خبری و سفید نبا لص

و سرخ نیز نباشد [illegible] رنگ [illegible]

که در زمین مشعر [illegible] و [illegible] داست

باشد و بقدر سر انگشت [illegible] باشد

که هنگام رمی [illegible] باشد و مکر

ده بالطهارت احوطست و پیاده باشد و بقدر یا نز

ف ذراع تا ده ذراع دور باشد و سنگ را بخو متعار

د بباطن انگشت ابهام و ناخن انگشت سبابه بیندازد

علی الاحوط و مستحبست که ماخوذ از زمین مشعر
باشد چنانکه ذکر شد و نرم باشد نه خشن و از
زمین برداشته باشد نه اینکه از سنگ شکسته
اخذ کرده باشند و سیاه و چرب و سفید خالص
و سرخ صرف نباشد و [illegible]
که در زمین مشعر [illegible]
باشد و بقدر [illegible]
که هنگام رمی شخص [illegible] باشد
بالطهارت احوط است و پیاده باشد و بقدر پانزده
ذراع تا ده ذراع دور باشد و سنگرا بنحو خذف
بباطن انگشت ابهام و ناخن انگشت سبابه بیندازد

وسایر سنگریزه‌ها را بدست چپ نگاه دارد و
با دست راست بیندازد و در رمی جمرهٔ عقبه
پشت بقبله بایستد و در رمی دو جمرهٔ دیگر رو
بقبله باشد و اگر یکی بر نخورد بان محسوب نگردد
و اگر بچیزی دیگر بر خورد [illegible] آن بکند برود بجمره
بر نخورد [illegible] اکتفا نمی‌شود لکن اولی اینست
[illegible] است که در رمی
[illegible] در رمی یوم نحر بلکه
مطلقا مشی نماید و در رمی این یوم تعجیل نماید
بعد طلوع آفتاب و در باقی ایام مقارن زوال
رمی نماید و در جمیع رمیها شرطست نیت در

وسایر سنگریزه ها را بدست چپ نگاه دارد و
با دست راست بیندازد و در رمی جمرهٔ عقبه
پشت بقبله بایستد و در رمی دو جمرهٔ دیگر رو
بقبله باشد و اگر یکی بر خورد و از احتساب [illegible]
و اگر بجای دیگر خورد [illegible] آن بکند و بجمره
نخورد [illegible] بکفایت نکند لکن اولی آنست
که [illegible] است که در رمی
[illegible] در رمی یوم نحر بلکه
مطلقاً مشی نماید و در رمی این یوم تعجیل نماید
بعد طلوع آفتاب و در باقی ایام مقارن زوال
رمی نماید و در جمیع رمیها شرطست نیت در

هنگامیکه مهیّا شد از برای رمی احتیاطاً نیّت
کند بلکه حقیر راضی بترك احداث نیّت در اوّل
در مطلق عبادات متاخره بنیّت نیست و باین نحو
نیّت کند که میرویم بجمره با این سنگریزه برای
حجّة الاسلام حج تمتّع بسبب قربة الی الله وبهتر است
که دعای ماثور این سنتها را بخواند بگوید [illegible]
هنگامیکه سنگها را در دست دارد [illegible]
اَللّهُمَّ هٰؤُلاءِ حَصَیاتی فَاَحْصِهِنَّ لی وَارْفَعْهُنَّ
فی عَمَلی بعد از آن ببندد از دو یا هر سنگی بگوید
اَللهُ اَکْبَرُ اَللّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّی الشَّیْطانَ اَللّهُمَّ
تَصْدیقاً بِکِتابِكَ وَعَلی سُنَّةِ نَبِیِّكَ صـ اَللّهُمَّ

هنگامیکه مهیّا شد از برای رمی احتیاطاً نیّت
کند بلکه حقیر راضی بترک احداث نیّت در اوّل
در مطلق عبادات متاخّره بنیّت نیست و باین نحو
نیّت کند که میزنم این جمره را بهفت سنگریزه برای
حجّة الاسلام حجّ تمتّع واجب قربة الی الله و مستحبّست
که دعای مأثور این مقام را بخواند و بگوید در
هنگامیکه سنگها را در دست دارد بسم الله
اللّهمّ هؤلاء حصیاتی فأحصهنّ لی وارفعهنّ
فی عملی بعد از آن بیندازد و با هر سنگی بگوید
الله اکبر اللّهمّ ادحر عنّی الشّیطان اللّهمّ
تصدیقاً بکتابک وعلی سنّة نبیّک ص اللّهمّ

اجعله حجا مبرورا و عملا مقبولا و سعیا مشکورا
و ذنبا مغفورا و بعد از آنکه برگشت از رمی منزل
بگوید اللهم بك وثقت و علیك توکلت فنعم
الرب و نعم المولی و نعم النصیر **فصل**
در [illegible] در منی [illegible] است بدانکه از
جمله اعمال [illegible] قربانی [illegible] است بذبح و یا بنحر
در [illegible] بعد [illegible] جمره عقبه باشد
که [illegible] معلوم شد و در
قربانی مخیر است بین ذبح و نحر و در ذبح بین
گوسفند و بز و گاو و گاومیش اگر گوسفند را
اختیار کرد باید آن هفت ماه را تمام کرده باشد

اجعله حجاً مبروراً وعملاً مقبولاً وسعياً مشکوراً
وذنباً مغفوراً و بعد از آنکه برگشت از رمی بمنزل
بگوید اللهم بك وثقت وعليك توكلت فنعم
الرب ونعم المولى ونعم النصير

فصل هفتم

در [illegible] ی در منی [illegible] است بدانکه از
جمله اعمال [illegible] قربانی کردن است بذبح و یا بنحر
[illegible] رمی جمرهٔ عقبه باشد
که [illegible] معلوم شد در
قربانی مخیر است بین ذبح و نحر و در ذبح بین
گوسفند و بز و گاو و جاموس اگر گوسفند را
اختیار کرد باید آن هفت ماه را تمام کرده باشد

و داخل در ماه هشتم شده باشد علی الاحوط
و اگر بز و یا گاو و یا گاومیش را اختیار کرده باشد
باید آن یکسال را تمام کرده باشد و داخل در سال
دوم شده باشد و اگر شتر را اختیار کرده باید آن سال
پنج را تمام کرده باشد و داخل در سال ششم شده باشد
و معتبر است در همهٔ این حیوانات اینکه [illegible]
نباشد و [illegible]
از کوری و [illegible]
اگر معلوم شود و از نقصان آن که شل و لوچ باشد از آن
و یا بعضی از آن و از دم تماما یا بعضا بالذات و یا
بالعرض در جمیع و از شاخ بشکستگی انشاخ توی

و داخل در ماه هشتم شده باشد علی الاحوط

و اگر بز و یا گاو و یا گاومیش را اختیار کرده باشد

باید آن یکسال را تمام کرده باشد و داخل در سال

دوم شده باشد و اگر شتر را اختیار کرده باید آن سال

پنج را تمام کرده باشد و داخل در سال ششم شده باشد

و معتبر است در [illegible] اجزای آن اینکه [illegible]

نباشد و [illegible]

از کوری و لو بسبب [illegible]

اگر معلوم شود و از نقصان آن از گوش و لو یکی از آن

و یا بعضی از آن و از دم تماما یا بعضا بالذات و یا

بالعرض در جمیع و از شاخ بشکستگی انشاخ توئی

و با یکشاخ داشتن و یا دو شاخ یکی در غیر محل
داشتن و از دندان شکستگی و بی دندانی و بی
خایگی و خایه مالیده شده و نحو ذلک و بالجمله
از [illegible] آن را عیب میدانند
[illegible] ازان منزه باشد چهارم اینکه بسیار
لاغر [illegible] یافت نشود
پنجم [illegible] علی الاحوط در این
[illegible] اینکه بسیار مریض
نباشد بلکه هیچ ناخوشی نداشته باشد علی الاحوط
ششم اینکه از جنس این اجناس خمسه باشد
که گوسفند و بز و شتر و گاو و جاموس باشد هفتم

و با یکشاخ داشتن و یا دو شاخ یکی در غیر محل
داشتن و از دندان شکستگی و بی دندانی و بی
خایه گی و خایه مالیده شده و نحو ذلک و بالجمله
از هر [illegible] که عرف آن را عیب میدانند
[illegible] ازان منزه باشد چهارم اینکه بسیار
[illegible] و [illegible] یافت نشود
[illegible] علی الاحوط در این
در [illegible] اینکه بسیار مریض
نباشد بلکه هیچ ناخوشی نداشته باشد علی الاحوط
ششم اینکه از جنس این اجناس خمسه باشد
که گوسفند و بز و شتر و گاو و گاومیش باشد هفتم

اینکه در این قربانی منفرد باشد پس جایز نیست
قربانی باشتراك و بهتر آنستکه خود مباشر ذبح
و یا نحر شود و اگر کسی را وکیل کند احتیاط این است
که هر دو نیّت کنند وکیل [illegible] بنیابة او نیّت کند
و در وقت ذبح [illegible] کند بدست [illegible]
[illegible] دست [illegible] کردن [illegible]
زدن و همچنین [illegible]
قربانی است واجب [illegible]
نیت کند خداوندا این قربانی را مینمایم از برای
حج تمتّع واجب قربةً الی الله بهتر آنست که مقارن
ذبح این نیّت را بنماید بلکه احتیاط در اینست

اینکه در این قربانی منفرد باشد پس جایز نیست
قربانی باشتراک و بهتر آنستکه خود مباشر ذبح
و یا نحر شود و اگر کسی را وکیل کند احتیاط این است
که هر دو نیّت کنند وکیل [illegible] بنیابة او نیت کند
و در وقت ذبح وکیل [illegible] کند بدست [illegible]
رهی دست وکیل [illegible] کردن [illegible]
زدن و همچنین [illegible]
قربانی است واجب [illegible]
نیت کند خداوندا این قربانی را میبنمایم از برای
حج تمتّع واجب قربةً الی الله بهتر آنست که مقارن
ذبح این نیّت را بنماید بلکه احتیاط در اینست

البته ترک نشود و مستحب است خواندن دعای
توجه حین قربانی نمودن وَجَّهْتُ وَجْهِیَ
لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ حَنِیفاً مُسْلِماً
وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ اِنَّ صَلوٰتِی وَنُسُکِی وَ
مَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَاشَرِیکَ
لَهُ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ اَللّٰهُمَّ
مِنْکَ وَلَکَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ
تَقَبَّلْ مِنِّی بعد از آن بکشد و با الت نحر را
در منحر فرو میکند و قربانی را باید در روز
دهم یا یازدهم یا دوازدهم یا سیزدهم کرد اگر
شخص در منی باشد و اگر در غیر منی باشد در

البته ترک نشود و مستحب است خواندن دعای

انّی وجّهت حین قربانی بسم میکویی وَجَّهْتُ وَجْهِيَ

لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا

وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَوتِي وَنُسُكِي وَ

مَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ

لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اَللّٰهُمَّ

مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ

تَقَبَّلْ مِنِّي [illegible] بکشد و با آلت نحر را [illegible]

در منی نحر میکند و قربانی را باید در روز

دهم یا یازدهم یا دوازدهم یا سیزدهم کرد اگر

شخص در منی باشد و اگر در غیر منی باشد در

دهم یا یازدهم یا دوازدهم بایدقربانی نمود و
احتیاط اینست که شخص از گوشت این قربانی
واجب چیزی نخورد و مطلقاً بهتر انست که در
ثلث انرا صرف خود نماید و ثلثی از انرا هدیه
دهد و ثلثی را بفقرا قسمت نماید و احتیاط
اینست این حصه را بفقیر بدهد گوشت قربانی را
از منی بیرون بردن [illegible] اگر [illegible] ثلث آن
جایز نیست چنانچه ذکر [illegible] قربانیها
مستحب شراکت ضرور ندارد هرگاه صد نفر مثلاً
در یک قربانی شریک شوند و قربانی نمایند عیبی
ندارد و مستحب بعمل آورده‌اند همه شریک در ثواب‌اند

دهم یا یازدهم یا دوازدهم باید قربانی نمود و
احتیاط اینست که شخص از گوشت این قربانی
واجب چیزی نخورد و مطلقاً بهتر انست که در
ثلث از انرا صرف خود نماید و ثلثی از انرا هدیه
دهد و ثلثی را بفقرا قسمت نماید و احتیاط
اینست [illegible] گوشت قربانی را
از منی بیرون [illegible]
جایز نیست چنانچه ذکر [illegible] در قربانیهای
مستحبی شراکت ضرر ندارد هرگاه صد نفر مثلاً
در یک قربانی شریک شوند و قربانی نمایند عیبی
ندارد و مستحبی بعمل اورده اند هم شریک [illegible]

و همه با جر خواهند رسید انشاء الله تعالی

فصل هشتم در حلق و تقصیر در منی است بدانکه

چون حاجی فارغ شد از قربانی در منی واجبست براو

حلق و یا تقصیر و این نیز از اعمال واجبه حجة

الاسلام است در منی و مستحبست که مردان

[illegible] سر را [illegible] تراشیدن را خصوص

[illegible] ملبد یعنی کسیکه

[illegible] درست کرده باشد و بسر

مالیده باشد از برای محفوظ ماندن از شپش

بلکه مطلق دوای مالیدنی بسر که موجب همین حکم

میشود بلکه احتیاط در حق این اشخاص اختیار

و همه با جر خواهند رسید ان شاء الله تعالی

فصل هشتم در حلق و تقصیر در منی است بدانکه

چون حاجی فارغ شد از قربانی در منی واجبست براو

حلق و یا تقصیر و این نیز از اعمال واجبهٔ حجة

الاسلام است در منی و مستحبست که مردان

حلق کنند سر را یعنی بتراشیدن بالخصوص

صروره که تازه در حج باشد و ملبد یعنی کسیکه

انگبین یا صمغ در سر خود درست کرده باشد و بسر

مالیده باشد از برای محفوظ ماندن از شپش

بلکه مطلق دوای مالیدنی بسر که موجب همین حکم

میشود بلکه احتیاط در حق این اشخاص اختیار

کردن حلق تمام سر است چنانچه غیر ایشان از
مردان هرگاه اختیار کردند حلق را احوط این است
که تمام سر را بتراشند و از برای زنان متعین است
تقصیر پس اینها قدری از موی خود را کم میکنند
و باید که حاجی از برای حلق یا تقصیر نیت بکند
که سر می تراشم یا تقصیر میکنم از جهت [illegible]
از احرام حج اسلام [illegible] واجب قربة الی الله
و لازم نیست [illegible] هرگاه
هر دو نیت کنند اولی بلکه احوط خواهد بود
و مستحب است که هنگام سر تراشیدن رو بقبله
باشد و ابتدا بجانب پیش سر کند و بگوید اللهم

کردن حلق تمام سر است چنانچه غیر ایشان از
مردان هرگاه اختیار کردند حلق را احوط این است
که تمام سر را بتراشند و از برای زنان متعین است
تقصیر پس اینها قدری از موی خود را کم میکنند
و باید که حاجی از برای حلق یا تقصیر [illegible] بکند
که سر می تراشم یا تقصیر میکنم از جهة تحلیل شدن
از احرام حج اسلام [illegible] واجب قربة الی الله ثم
و لازم نیست که [illegible] لکن هرگاه
هر دو نیت کنند اولی بلکه احوط خواهند بود
و مستحب است که هنگام سر تراشیدن رو بقبله
باشد و ابتدا بجانب پیش سر کند و بگوید اللهم

اَعطِنی بِکُلِّ شَعرٍ نوراً یومَ القِیمَةِ وموی سر را

در منی دفن کند وبهتر انستکه در صورت اختیار

تقصیر از اطراف سر وریش وشارب بکند ومو ناخن را

نیز [illegible] حاجی از عمل فارغ شد حلال

[illegible] بر او هر چیزیکه بسبب احرام براو حرام

[illegible] وصید حرم

[illegible] بعد از فراغ از

[illegible] چون فارغ شد حاجی

از [illegible] روز دهم برمیگردد بمکه برای طواف

زیارت ونماز ان وسعی ما بین صفا ومروه وطواف

نسا ونماز ان پس حاجی بعد از عود از منی بمکه پنج

اَعْطِنِی بِکُلِّ شَعْرٍ نُوراً یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وموی سررا

در منی دفن کند و بهتر انستکه در صورت اختیار

تقصیر از اطراف سر و ریش و شارب بکیرد و ناخن را

نیز [illegible] آن حاجی از عمل فارغ شد حلال

[illegible] بر او هر چیزیکه بسبب احرام براو حرام

شد [illegible] و صید حرم

[illegible] بعد از فراغ از

[illegible] چون فارغ شد حاجی

از اعمال منی در روز دهم برمیکردد بمکه برای طواف

زیارت و نماز آن و سعی ما بین صفا و مروه و طواف

نسا و نماز آن پس حاجی بعد از عود از منی بمکه بیخ

عمل باید بکند اوّل طواف پس نیّت میکند که
هفت شوط طواف بجا می‌آورم از عمرهٔ حجّة الاسلام
واجب قربةً الی الله پس طواف را بعمل می‌آورد
و طریق آن همان نحو است که در طواف عمره بیان
شد و فرقی با آن [illegible] الّا در نیّت که [illegible]
نیّت طواف عمره میکرد [illegible] نیّت طواف حج
دوّم و بعد از طواف [illegible] نماز طوا
میکند بنیّت [illegible] سیّم
بعد از آن سعی میکند ما بین صفا و مروه هفت شوط
همان نحو که در عمره میکرد مگر در نیّت که اینجا باید
این سعی را بنیّت حجّة الاسلام نماید چهارم

عمل باید بکند اوّل طواف پس نیّت میکند که
هفت شوط طواف بجا میآورم از عمرهٔ حجّة الاسلام
واجب قربة الی الله پس طواف را بعمل میآورد
و طریق آن همان نحویست که در طواف عمره بیان
شد و فرقی با [illegible] الا در نیّت که [illegible]
نیّت طواف عمره میکرد [illegible] نیّت طواف حج
تمتّع دوم و بعد از [illegible]
میکند بنیّت [illegible] سیّم
بعد از آن سعی میکند مابین صفا و مروه هفت شوط
همان نحو که در عمره میکرد مگر در نیّت که اینجا باید
این سعی را بنیّت حجّة الاسلام بجا آورم

پس از فراغ از سعی هفت شوط طواف میکند
بنیّت طواف نساء حجّة الاسلام پنجم بعد
از ان دو رکعة نماز این طواف نساء را بجا میآورد
بنیّت وجوب در پشت مقام ابراهیم از برای حجّة
الاسلام پس در این نیت محلّ میشود و براو
حلال میکند زنان اگرچه مرد باشد و مردان
اگر زن باشد و فرقی نیست در وجوب طواف
نساء بین تمام حج یا اجزاء آن چنانچه فرقی
نیست در وجوب بین مرد و زن و پیر و جوان
فصل دهم در اعمال بعد از عود از مکه است
بمنی بدانکه حاجی بعد از فارغ شدن از اعمال

پس از فراغ از سعی هفت شوط طواف میکند
بنیت طواف نساء حجة الاسلام تمتع بعد
از آن دو رکعت نماز این طواف نساء را بجا میاورد
بنیت وجوب در پشت مقام ابراهیم از برای حجة
الاسلام پس در این وقت محل میشود و براو
حلال میگردد زنان اگر مرد باشد و مردان
اگر زن باشد و فرقی نیست در وجوب طواف
نساء میان حج و عمره و اجزا آن چنانچه فرقی
نیست در وجوب بین مرد و زن و پیر و جوان
فصل دهم در اعمال بعد از عود از مکه است
بمنی بدانکه حاجی بعد از فارغ شدن از اعمال

مکه باید

ممکنه باید عود کند بمنی بجهة ماندن در منی در شب یازدهم
و دوازدهم و رمی جمرات ثلث در روزها و
کسیکه از صید و زنان اجتناب نکرده باشد و
کسیکه روز دوازدهم از منی خارج نشده باشد
تا غروب آفتاب واجب میشود بر او که شب سیزدهم
نیز در منی بماند و رمی روز سیزدهم جمرات ثلاث
نماید بالجمله [illegible]
کرد شب را در منی [illegible]
نیت امشب که شب یازدهم است در این منی
توقف میکنم ومیمانم از جهة حجة الاسلام واجب
قربة الیک وهمچنین در شب دوازدهم همین نحو

نیت باید بکند در منی بجهت ماندن در منی در شب یازدهم

و دوازدهم و رمی جمرات ثلث در روزها و

کسیکه از صید و زنان اجتناب نکرده باشد و

کسیکه روز دوازدهم از منی خارج نشده باشد

تا غروب آفتاب واجب میشود بر وی که شب [illegible] دهم

نیز در منی بماند و روز [illegible] رمی جمرات ثلاث

نماید بالجمله [illegible]

کرد شب [illegible] در منی [illegible]

[illegible] امشب که شب یازدهم است در این منی

توقف میکنم و میمانم از جهة حجة الاسلام واجب

قربة الیك و همچنین در شب دوازدهم همین نحو

نیّت میکند ودر روز هر یك از این دو شب
رمی جمرات ثلاث میکند هر یك بهفت سنك
بترتیب اوّل جمرهٔ اولی را رمی میکند بعد ازان
جمرهٔ وسطی را بعد ازان جمرهٔ عقبه را ووقت
رمی تمام روز است لیکن بعد از زوال افضل است
واحوط آنست که شب توقف در منی هیچ از
منی خارج نشود الا تمام شب در منی باشد
خواب یا بیدار نشسته یا ایستاده ومستحبّست
که روزها را نیز از منی بیرون نرود ودر رمی
جمرهٔ اولی ووسطی رو بقبله رمی کند ودر رمی
جمرهٔ عقبه پشت بقبله وسنّت است که در ایام

نیّت میکند و در روز هر یك از این دو شب
رمی جمرات ثلاث میکند هر یك بهفت سنك
بترتیب اوّل جمرهٔ اولی را رمی میکند بعد از ان
جمرهٔ وسطی را بعد از ان جمرهٔ عقبه را و وقت
رمی تمام روز است یعنی از زوال افضل است
و احوط انست که شب نفر توقف در منی هیچ از
منی خارج نشود الا تمام شب در منی باشد
خواب یا بیدار نشسته یا ایستاده و مستحبّست
که روزها را نیز از منی بیرون نرود و در رمی
جمرهٔ اولی و وسطی رو بقبله رمی کند و در رمی
جمرهٔ عقبه پشت بقبله و سنّت است که در ایّام

توقف بمنی نمازها را در مسجد خیف بخواند
و سنتست که تکبیرات معروفه را در مکه و منی
بعد از پانزده نماز که اولش ظهر روز عید است
و آخرش صبح روز سیزدهم چنانکه در المحیط است
که این تکبیرات را اگرچه خصوصاً وارد [illegible]
و بسند قویه مطلقا بخوانند [illegible]
مختلف وارد شده [illegible] الله اکبر
اَللهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا [illegible] اَکْبَرُ
اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللهُ اَکْبَرُ وَاللهُ اَکْبَرُ عَلیٰ مَا
هَدَانَا و در اضحی بگوید عَلیٰ مَا رَزَقَنَا مِنْ
بَهِیمَةِ الْاَنْعَامِ و مستحبست که حاجی بعد از

بوقف منی نمازها را در مسجد خیف بخواند

وسنتست که تکبیرات معروفه را در مکه و منی

بعد از پانزده نماز که اولش ظهر روز عید است

وآخرش صبح روز سیزدهم بخواند احتیاط اینست

که این تکبیرات را ترک نکند خصوصاً [illegible]

و بنا بر قول مطلقاً بخواند و صورت تکبیرات

مختلف وارد شده [illegible] اَللهُ اَکبَرُ

اَللهُ اَکبَرُ لا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ اَللهُ

اَکبَرُ وَلِلّهِ الحَمدُ اَللهُ اَکبَرُ وَاللهُ اَکبَرُ عَلی ما

هَدانا و در اضحی بگوید عَلی ما رَزَقَنا مِن

بَهیمَةِ الاَنعامِ و مستحبست که حاجی بعد از

فراغ از مناسك منی داخل مکه شود بجهة طواف
وداع و وقت آن حین اراده بیرون رفتن است
و چون خواهد از منی بمکه عود نماید در مسجد
خیف [illegible] که در وسط مسجد واقع
است نماز کند و در اصل [illegible] صومعه آن مسجد نیز
[illegible] نماز بجا آورد [illegible] روانه مکه شود
و چون [illegible] که در امکان
را [illegible] داخل مسجد الحرام شود
برای دخول مسجد و طواف وداع غسل کند
و داخل مسجد الحرام شود و اعمال دخول مسجد
را از دعا و طواف و نماز بجا آورد و مستحب است

فراغ از مناسك منی داخل مكه شود بجهة طواف
وداع ووقت ان حین ارادهٔ بیرون رفتن است
وچون خواهد از منی بمكه عود نماید در مسجد
خیف [illegible] در وسط مسجد واقع
است [illegible] نماز كند و در اصل [illegible] صومعهٔ ان مسجد نیز
[illegible] نماز بجا اورد [illegible] روانهٔ مكه شود
وچون [illegible] در امكان
را [illegible] داخل مسجد الحرام شود
برای دخول مسجد وطواف وداع غسل كند
وداخل مسجد الحرام شود واعمال دخول مسجد
را از دعا وطواف ونماز بجا اورد ومستحب است

که حاجی داخل شود در خانهٔ کعبه و در نزد دخول
بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ
اٰمِنًا فَاٰمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ عَذَابِ النَّارِ و در
خبر است که داخل شدن [illegible] داخل شدن
در رحمت است و خارج شدن از ان بیرون
رفتن از گناهان است [illegible]
در تتمهٔ عمر [illegible]
تازه حاجی تاکید [illegible]
و مستحب است که با اداب و شرائط و ادعیهٔ وارده
وارد خانه شود و مستحب است دو رکعت نماز در
خانه بجا اورد بلکه مستحب است در هر زاویه از زوایا

که حاجی داخل شود در خانهٔ کعبه و در نزد دخول
بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ
اٰمِنًا فَاٰمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ عَذَابِ النَّارِ و در
خبر است که داخل [illegible] داخل شدن
در رحمت است [illegible] خارج شدن از آن بیرون
رفتن از گناهان [illegible] دانست
در تتمهٔ عمر از تتمهٔ [illegible]
تازه حاجی تاکید [illegible]
و مستحب است که با آداب و شرائط و ادعیهٔ وارده
وارد خانه شود و مستحب است دو رکعت نماز در
خانه بجا آورد بلکه مستحب است در هر زاویه از زوایای

اربع ان دو ركعت نماز بكذار دو سنتست كه

درميان خانه ابتداء اتجواند الهی لا يرد

غضبك الا حلمك ولا ينجي منك الا التضرع

اليك فهب لي من لدنك فرجا بالقدرة التي

تحيي بها اموات العباد وبها تنشر ميت البلاد

ولا تهلكني يا الهي غما حتى تستجيب لي و

تعرفني الاجابة في دعائي اللهم ارزقني

العافية الى منتهى اجلي ولا تشمت بي عدوي

ولا تمكنه من عنقي من ذا الذي يرفعني

ان وضعتني ومن ذا الذي يضعني ان رفعتني

وان اهلكتني فمن ذا الذي يعرض لك في

اربع ان دو رکعت نماز بکذار دو سنتست که
درمیان خانه ابندا بخواند الهی لا یرد
غضبك الا حلمك ولا ینجی منك الا التضرع
الیك فهب لی من لدنك فرجا بالقدرة التی
تحیی بها میت البلاد
... ...
... ... اللهم ارزقنی
... ... ولا تشمت بی عدوی
ولا تمکنه من عنقی من ذا الذی یرفعنی
ان وضعتنی ومن ذا الذی یضعنی ان رفعتنی
وان اهلکتنی فمن ذا الذی یعرض لك فی

عَبْدِكَ اَوْ يَسْئَلُكَ عَنْ اَمْرِكَ فَقَدْ عَلِمْتُ يَا اِلٰهِي اَنَّهُ
لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَلَا فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ اِنَّمَا يَعْجَلُ
مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ وَاِنَّمَا يَحْتَاجُ اِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ
وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا اِلٰهِي عَنْ ذٰلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا فَلَا
تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا وَلَا لِنِقْمَتِكَ نَصَبًا وَمَهِّلْنِي
وَاَقِلْنِي عَثْرَتِي وَلَا تَرُدَّ يَدِي فِي نَحْرِي وَلَا
تُتْبِعْنِي بِبَلَاءٍ عَلٰى اَثَرِ بَلَاءٍ فَقَدْ تَرٰى ضَعْفِي وَقِلَّةَ
حِيلَتِي وَتَضَرُّعِي اِلَيْكَ [illegible]
بِكَ اَعُوذُ بِكَ الْيَوْمَ فَاَعِذْنِي وَاَسْتَجِيرُ بِكَ
فَاَجِرْنِي وَاَسْتَعِينُ بِكَ عَلَى الضَّرَّاءِ فَاَعِنِّي وَ
اَسْتَنْصِرُكَ فَانْصُرْنِي وَاَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَاَكْفِنِي

عبدك أو يسألك عن أمرك فقد علمت يا إلهي أنه

ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة إنما يعجل

من يخاف الفوت وإنما يحتاج إلى الظلم الضعيف

وقد تعاليت يا إلهي عن ذلك علواً كبيراً فلا

تجعلني للبلاء غرضاً ولا لنقمتك نصباً ومهلني

وأقلني عثرتي ولا ترد يدي في نحري ولا

تتبعني ببلاء على أثر بلاء فلا ترى ضعفي وقلة

حيلتي وتضرعي إليك [illegible]

بك أعوذ بك اليوم فأعذني وأستجير بك

فأجرني وأستعين بك على الضراء فأعني و

أستنصرك فانصرني وأتوكل عليك فاكفني

وَاُومِنُ بِكَ فَآمِنِّي وَاَسْتَهْدِيكَ فَاهْدِنِي
وَاَسْتَرْحِمُكَ فَارْحَمْنِي وَاَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا تَعْلَمُ
وَاَغْفِرْلِي وَاَسْتَرْزِقُكَ مِنْ فَضْلِكَ الوَاسِعِ
فَارْزُقْنِي [illegible] لَا اِلٰهَ [illegible] لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ و
[illegible] خواهد [illegible] از [illegible] حلقهٔ در را
[illegible] الله [illegible] بگوید اَللّٰهُمَّ لَا
[illegible] بِي اَعْدَآئِي فَاِنَّكَ
اَنْتَ [illegible] و [illegible] از خانهٔ کعبه بیرون
آید دو رکعت نماز در جانب چپ خانه بگذارد و
حجر الاسود را استلام نماید و شکم خود را بخانه
بچسپاند و حمد و ثناء الهی را بجا آورد و صلوات

وَاُومِنُ بِكَ فَاٰمِنِّي وَاَسْتَهْدِيكَ فَاهْدِنِي
وَاَسْتَرْحِمُكَ فَارْحَمْنِي وَاَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا تَعْلَمُ
وَاغْفِرْلِي وَاَسْتَرْزِقُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ
فَارْزُقْنِي وَلَا [illegible] وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ و
[illegible] اهل [illegible] خانه [illegible] حلقهٔ در را
بگیرد [illegible] الله [illegible] اَللّٰهُمَّ لَا
[illegible] بِي اَعْدَائِي فَاِنَّكَ
اَنْتَ [illegible] و بیرون از خانهٔ کعبه بیرون
آید دو رکعت نماز در جانب چپ خانه بگذارد و
حجر الاسود را استلام نماید و شکم خود را بخانه
بچسباند و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و صلوات

بر پیغمبر و آل او بفرستند و بخوانند او را وداع کنند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَاَمِينِكَ

وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ

بَلَّغَ رِسَالاَتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ

بِاَمْرِكَ وَاُوذِيَ فِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتّٰى اَتَاهُ الْيَقِينُ

اَللّٰهُمَّ اقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي بِاَفْضَلِ

مَا يَرْجِعُ بِهِ اَحَدٌ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ

وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ مِمَّا يَسَعُنِي اَنْ اَطْلُبَ اَنْ

تُعْطِيَنِي مِثْلَ الَّذِي اَعْطَيْتَهُ اَوْ فَضْلاً مِنْ عِنْدِكَ

تَزِيدُنِي عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ اِنْ اَمَتَّنِي فَاغْفِرْ لِي وَاِنْ

اَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ اَللّٰهُمَّ لاَ تَجْعَلْهُ

برپیغمبر وآل او بفرستند وخانه را وداع کند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَاَمِينِكَ

وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ

بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ

بِاَمْرِكَ وَاُوذِيَ فِي جَنْبِكَ حَتّٰى اَتَاهُ الْيَقِينُ

اَللّٰهُمَّ اقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي بِاَفْضَلِ

مَا يَرْجِعُ بِهِ اَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَةِ

وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ مِمَّا يَسَعُنِي اَنْ اَطْلُبَ اَنْ

تُعْطِيَنِي مِثْلَ الَّذِي اَعْطَيْتَهُ اَوْ تَفَضَّلَ مِنْ عِنْدِكَ

تَزِيدُنِي عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ اِنْ اَمَتَّنِي فَاغْفِرْ لِي وَاِنْ

اَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ

آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ نَبِيِّكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ عَبْدُكَ وَ
ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ حَمَلْتَنِیْ عَلٰی دَابَّتِكَ وَ
سَيَّرْتَنِیْ فِیْ بِلَادِكَ حَتّٰی اَدْخَلْتَنِیْ حَرَمَكَ وَ
اَمْنَكَ وَقَدْ كَانَ فِیْ حُسْنِ ظَنِّیْ بِكَ اَنْ تَغْفِرَ لِیْ
ذُنُوْبِیْ فَاِنْ كُنْتَ غَفَرْتَ لِیْ ذُنُوْبِیْ فَازْدَدْ عَنِّیْ
رِضًی وَقَرِّبْنِیْ اِلَيْكَ زُلْفٰی وَلَا تُبَاعِدْنِیْ وَاِنْ
كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِیْ فَمِنَ الْاٰنَ فَاغْفِرْ لِیْ قَبْلَ اَنْ
تَنْاٰی عَنْ نَبِيِّكَ دَارِیْ وَهٰذَا اَوَانُ انْصِرَافِیْ
اِنْ كُنْتَ اَذِنْتَ لِیْ غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا عَنْ
نَبِيِّكَ وَلَا مُسْتَبْدِلٍ بِكَ وَلَا بِهٖ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِیْ
مِنْ بَيْنِ يَدَیَّ وَمِنْ خَلْفِیْ وَعَنْ يَمِيْنِیْ وَعَنْ شِمَالِیْ

حَتّٰی

آخر العهد من زيارة نبيك اللهم إني عبدك و
ابن عبدك وابن أمتك حملتني على دابتك و
سيرتني في بلادك حتى أدخلتني حرمك و
أمنك وقد كان في حسن ظني بك أن تغفر لي
ذنوبي فإن كنت غفرت لي ذنوبي فازدد عني
رضى وقربني إليك زلفى ولا تباعدني وإن
كنت لم تغفر لي فمن الآن فاغفر لي قبل أن
تنأى عن نبيك داري هذا أوان انصرافي
إن كنت أذنت لي غير راغب عنك ولا عن
نبيك ولا مستبدل بك ولا به اللهم احفظني
من بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي

حَتّیٰ تُبَلِّغَنی اَهلی وَاکفِنی مَؤُنَةَ عِبادِکَ وَعِیالی

فَاِنَّکَ وَلِیُّ ذٰلِکَ مِن خَلقی وَمِنّی پس برود

نزد چاه زمزم و از آن آب بیاشامد و بیرون آید

و بگوید آئِبُونَ تائِبُونَ عابِدُونَ لِرَبِّنا حامِدُونَ

اِلیٰ رَبِّنا راجِعُونَ پس چون خواهد از مسجد

بیرون آید [illegible]

آورد و سنت است [illegible]

خرما بخرد و تصدق کند [illegible]

بر در مسجد رو بخانه بایستد و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی

اَنقَلِبُ عَلیٰ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و مستحب است که

سیصد و شصت طواف کند بعد از ایام سنه

حَتّیٰ تُبَلِّغَنِی اَهْلِی وَاکْفِنِی مَؤُنَةَ عِبَادِكَ وَعِیَالِی
فَاِنَّكَ وَلِیُّ ذٰلِكَ مِنْ خَلْقِی وَمِنِّی پس برود
نزد چاه زمزم واز ان اب بیاشامد وبیرون اید
وبکوید آئِبُونَ تَائِبُونَ [illegible] لِرَبِّنَا حَامِدُونَ
اِلیٰ رَبِّنَا رَاجِعُونَ وچون خواهد از مسجد
بیرون اید [illegible]
اورد وسنت است [illegible]
خرما بخرد وتصدق کند [illegible]
برد ومسجد رو ثنا نماید بایستد وبکوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَنْقَلِبُ عَلیٰ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ ومستحب است که
سیصد وشصت طواف کند بعدد ایام سنه

که هر طوافی هفت شوط است و اگر نتواند
سیصد و شصت شوط کند مستحب است که حاجی
در وقت کوچ کردن از مکه طواف وداع کند و
[illegible] وفقنی الله ذلک باحسن
انسالک بمحمد وعترته [illegible] باقی مانده از مطالب
[illegible] مطلق حج مسائل
[illegible] که باید بیان شود پس
[illegible] محرمات احرام بر چند
نوع است اول آنست که حرام است و باعث
کفاره و بطلان حج و عمره و سبب اعاده میشود
دوم آنکه حرام است و باعث کفاره میشود

که هر طوافی هفت شوط است و اگر نتواند
سیصد و شصت شوط کند مستحب است که حاجی
در وقت کوچ کردن از مکه طواف وداع کند با
در [illegible] وفقنی الله ذلک باحسن
[illegible] بعمرة [illegible] باقی مانده از مطالب
[illegible] متعلق حج مسائل
[illegible] که باید بیان شود پس
[illegible] و [illegible] محرمات احرام بر چند
نوع است اول آنست که حرام است و باعث
کفاره و بطلان حج و عمره و سبب اعاده میشود
دوم آنکه حرام است و باعث کفاره میشود

لکن بسبب بطلان حج و عمره و اعاده نمیشود
سیم آنستکه حرام و باعث بطلانست لکن سبب
کفاره میشود چهارم آنستکه حرامست لکن
باعث کفاره است و نه سبب بطلان اما
نوع اول پس از جماع کردن و وطی کردن بقبل
دبر است هرچند که انزال نشود لکن بشرط آن
وقوف در مشعر الحرام و وطی در دبر نیز
حکم را دارد علی الاصح پس هرگاه که این
عمل شد قبل از وقوف در مشعر حج او باطل است
لکن این حج باطل را باید تمام کند و باخر رساند
و سال دیگر باید قضا کند یعنی دوباره از نو حج بکند

لکن سبب بطلان حج و عمره و اعاده نمیشود
سیم آنستکه حرام و باعث بطلانست لکن سبب
کفاره میشود چهارم آنستکه حرام است لکن نه
باعث کفاره است و نه سبب بطلان اما
نوع اول پس از جماع کردن و وطی کردن در قُبُل یا
دُبُر است هرچند که با غلام زنند لکن باشد از
وقوف در مشعر الحرام وطی و بانتفای این
حکم را دارد علی الاصح پس بدانکه هرگاه این
عمل شد قبل از وقوف در مشعر حج او باطل است
لکن این حج باطل را باید تمام کند و باخر رساند
و سال دیگر باید قضا کند یعنی دوباره از نو حج کند

از روی وجوب کفاره هم براو واجبست بدهد
وان قربانی کردن یکشتر پنجساله است وان
فاعل ومفعول باید از محل فعل از هم جدا شوند
تا آخر اعمال حج اگر در قضای این حج فاسد در سال
دیگر نیز باید از محل فعل از هم جدا باشند تا آخر
اعمال آن حج نیز و اما مسئله ثالث محرمی در
تمام [illegible] امّا نوع ثانی
بعضی از محرمات احرام [illegible] کفاره میشود ولکن
سبب بطلان وقضا نمیشود پس آن چند چیزاست
اوّل صید کردنست وان اگر شترمرغ است
کفارهٔ آن یکشتر پنجساله است واحوط آنست که

ازروی وجوب کفاره هم براو واجبست بدهد
وآن قربانی کردن یک شتر یکساله است وآن
فاعل ومفعول باید از محل فعل از هم جدا شوند
تا آخر اعمال حج بلکه در قضای این حج فاسد در سال
دیگر نیز باید از محل فعل از هم جدا باشند تا آخر
اعمال [illegible] ثالث محرمی در
تمام [illegible] آن امّا نوع ثانی
بعض [illegible] کفاره میشود ولکن
سبب بطلان وقضا نمیشود پس آن چند چیز است
اوّل صید کردنست وآن اگر شترمرغ است
کفاره آن یک شتر یکساله است واحوط آنست که

ماده باشد واگر ممکن نشود قیمت انرا بدل کند گندم
مجزد و شصت مسکین اطعام کند هر مسکینی نصف
صاع اکمال ناقص اگر کمرا بد لازم نیست چینانچه
اگر زیاد ابد مال خود حاجز نیست باقدرا امکان
شصت روز روزه بگیرد مطلقا علی الاحوط واگر
این صید کاو وحشی باشد لازم میشود کفارت
یك ماده گاو است ...
وداخل درسر ... امکان
عیش قیمت انرا گندم مجزد و سی مسکین اطعام کند
وباعدم امکان سی روز روزه بگیرد وباعدم
نه روز روزه باز باده بقدر امکان واگران اهو با

مادة باشد واگر ممکن نشود قیمت انرا بدهد کندم

مجرد و شصت مسکین را طعام کند هر مسکینی نصف

صاع اکمال ناقص اگر کم اید لازم نیست چنانچه

اگر زیاد اید بمال خود حاجت نیست باقدر امکان

شصت روز روزه بگیرد مطلقا علی الاحوط واگر

این صید گاو وحشی باشد لازم [illegible]

یک ماده گاو است [illegible]

و داخل در [illegible]

عین قیمت انرا کندم مجرد و بسی مسکین طعام کنند

و با عدم امکان سی روز روزه بگیرد و با عدم

نه روز و بازیاده بقدر امکان واگر ان اهو یا

روباه و یا خرگوش باشد کفارهٔ آن یک گوسفند
است با امکان و با عدم امکان عین قیمت آنرا
گندم بخرد و بده مسکین طعام کند و با عدم امکان
سه روز روزه [illegible] بگیرد و اگر کبوتر باشد که آن
[illegible] است [illegible] باشد مثل
[illegible] آنکه مکد مثل
[illegible] و بلع کند مثل
[illegible] یک گوسفند است بر محرم
که در غیر حرم صید کرده باشد و یک دینار است
بر محل که در حرم صید کرده باشد و یک گوسفند
و یک دینار است بر محرم که در حرم صید کرده باشد

و اگر دراج

[illegible] و [illegible] کفارهٔ آن یک گوسفند
است با امکان و با عدم امکان عین قیمت آنرا
گندم بخرد و بده مسکین طعام کند و با عدم امکان
سه روز [illegible] و اگر کبوتر باشد که آن
[illegible] راست [illegible] باشد مثل
[illegible] آنکه بکند مثل
[illegible] و بلع کند مثل
[illegible] یک گوسفند است بر محرم
که در غیر حرم صید کرده باشد و یک دینار است
بر محل که در حرم صید کرده باشد و یک گوسفند
و یک دینار است بر محرم که در حرم صید کرده باشد

واگر دراج و قطا و حجل باشد کفاره آن بره از شیر
جدا شده است واگر خارپشت یا سوسمار و یا
موش بزرگ دشتی باشد کفاره آن یک بزغاله
است واگر کنجشک و یا قبره و یا صعوه امثال این باشد
کفاره آن یکمد طعام است واگر ملخ باشد کفاره
آن یکدانه خرما است [illegible] هم ملخ
بسیار باشد [illegible]
شکستن است [illegible] کفاره
آن نصف قیمت آنست واگر کتاب اوست کفاره
آن علی الحساب ربع قیمت آنست واگر دو یا او با
دو دست آنست کفاره آن تمام قیمت آنست

واگر دراج وقطا وحجل باشد کفارۀ آن برۀ از شیر
جدا شده است واگر خار پشت یا سوسمار و یا
موش بزرگ دشتی باشد کفارۀ آن بک بزغاله
است واگر گنجشک و یا قبره و یا صعوه باشد
کفارۀ آن یکمد گندم است واگر ملخ باشد کفارۀ
آن یکدانه خرما است و زیاده از این نکند مگر ملخ
بسیار باشد کفارۀ آن یک گوسفند است و در
شکستن است ... کفارۀ
آن نصف قیمت است واگر یکشاخ او است کفارۀ
آن علی الحساب ربع قیمت است واگر دو پا و یا
دو دست است کفارۀ آن تمام قیمت است

واکر ان تخم شتر مرغست که جوجه دران حرکت
داشت کفارهٔ ان یک بچه شتر است که صلاحیت
حمل بر داشتن داشته باشد و اکر جوجه دران
حرکت نداشته باشد کفارهٔ ان رها کردن
[illegible] شتر نر با زیاده است در میان شترهای ماده
[illegible] نوایفرستند
[illegible] در هند بمساکین
و با [illegible] طعام کنند و باعجز از
این سه روز روزه بکیرند و اکر تخم دراج وقطا و
حجل باشد و جوجه دران حرکت کرده باشد
کفارهٔ ان یک کوسفند کوچک ماده است و اکر

حرکت نا
کرده

واگر آن تخم شتر مرغست که جوجه دران حرکت
داشت کفّارهٔ آن یك بچّه شتر است که صلاحیت
حمل بر داشتن داشته باشد واگر جوجه دران
حرکت نداشته باشد کفّارهٔ آن رها کردن
[illegible] شتر نر با زیاده است در میان شترهای ماده
[illegible] تا بفرستند
[illegible] هند بمساکین
وبا [illegible] طعام کنند وبا عجز از
این سه روز روزه بگیرند واگر تخم درّاج وقطا و
حجل باشد وجوجه دران حرکت کرده باشد
کفّارهٔ آن یك گوسفند کوچك ماده است واگر

حرکت نکرده باشد باید کوسفندی را درمیان
کوسفندان داده رها کرد و نتاج آنرا قربانی کرد
و با عجز از طعام ده مسکین کند و با عجز سه روز
روزه بگیرد مسئله اگر کور کردند وان اکر دو چشم
آهو است کفاره [illegible] است [illegible] اکر یک
چشم است [illegible] نصف قیمت
است [illegible]
پس اکر عود کرد [illegible] است
از جمیع واکر عود نکند از برای هر یک کوسفند است
[illegible] تمتع بردن با زنان پس آن اکر بجماع ا
بعد وقوف در مشعر و قبل از چهار شوط با

حرکت نکرده باشد باید کوسفند نر را در میان
کوسفندهاده رها کرد و نتاج انرا قربانی کرد
و با عجز اطعام ده مسکین کند و با عجز سه روز
روزه بکیرد سیم کور کردن نسف و ان اکر دو چشم
اهو است کفاره [illegible] است [illegible] یک
چشم است کفاره [illegible] [illegible]
است [illegible] [illegible]
پس اکر عود کرد [illegible] است
از جمیع و اکر عود نکند از برای هر یک کوسفند
بیست تمتع بردن با زنان پس ان اکر جماع ا
بعد وقوف در مشعر و قبل از چهار شوط با

پنج شوط از طواف نسا کفارهٔ آن یکشتر یجب الله

است واگر بعد از آن باشد کفارهٔ ندارد واگر

قبل از طواف حج باشد وعاجز از شتر باشد یک گاو

ویا یک گوسفند قربانی کند وگاو را مقدم بدارد

واگر نظر بزن است پس اگر با شهوت است بالخروج

منی فی وضعیت کفارهٔ آن شتر یجب الله است

اگر ... باشد کفارهٔ آن ماده است

از برای ... است و بر معسر

واگر با زوجه خود بشهوت کفارهٔ آن

نیز یکشتر یجب الله است با خروج منی فی قصد الخروج

واگر لمس است پس اگر با زوجه است کفارهٔ

پنج شوط از طواف نسا کفارهٔ آن یکشتر بخیبالهٔ
است واگر بعد از آن باشد کفارهٔ ندارد واگر
قبل از طواف حج باشد وعاجز از شتر باشد یک گاو
ویا یک گوسفند قربانی کند وکفارهٔ مقدم بدارد
واگر نظر کردست پس اگر بلذت نبوده است بالخروج
منی فی وضع بکذا از آن چیزی لازم نمیباشد الا
[illegible]
از برای شهوت نگریستن حرام است [illegible] معسر
واگر با زوجه خود مس است با شهوت کفارهٔ آن
نیز یکشتر بخیباله است با خروج منی بی تصدیق خروج
واگر لمس است پس اگر با زوجه است کفارهٔ

این یک گوسفند است اگر بشهوت باشد و اگر
بی شهوت باشد چیزی بر آن نیست و اگر ببوسید
بشهوت کفاره آن یک شتر است و بی شهوت کفاره
آن یک گوسفند است ششم اخراج منی
باستمنا که کفاره آن یک شتر است یعنی
وکفاره آن یک شتر است هفتم
عقد کردن زن است که کفاره آن بر هر دو
هر یک از ایشان یک شتر است
هشتم استعمال کردن طیب است و کفاره آن
یک گوسفند است نهم پوشیدن مخیط است
از برای مردان و کفاره آن یک گوسفند است

ان بيك كوسفند است اكر بشهوت باشد واكر
بى شهوت باشد چيزى بران نيست واكر بوسيد
بشهوت كفارهٔ ان بجزور است وبشهوت كفارهٔ
ان بيك كوسفند است ششم اخراج منى
باستمناء كه [illegible] است [illegible]
وكفارهٔ ان بيك [illegible] است هفتم
عقد كردن زنانست [illegible]
هر يك از [illegible] است
هشتم استعمال كردن طيب است وكفارهٔ ان
بيك كوسفند است نهم [illegible]
از براى مردان وكفارهٔ ان بيك كوسفند است

دهم تراشیدن موی سر است کفارهٔ آن نیز
یک گوسفند است واگر از جهة رفع اذیت
بتراشد مخیّر است در کفارهٔ بین قربانی گوسفند
واطعام ده مسکین وروزه گرفتن سه روز
یازدهم ناخن گرفتن است در یک مجلس
کفارهٔ آن نیز یک گوسفند است واگر در
[illegible] هر ناخنی یکمدّ
طعام [illegible] دوازدهم کندن موی
زیر هر دو بغل است کفارهٔ آن نیز یک گوسفند است
ودر کندن موی زیر یک بغل اطعام سه مسکین
است سیزدهم کندن دندانست کفارهٔ آن

دهم تراشیدن موی سر است کفارهٔ آن نیز
یک کوسفند است واکر از جهة رفع اذیت
بتراشد مخیر است در کفارهٔ بین قربانی کوسفند
واطعام ده مسکین و روزه کرفتن سه روز
یازدهم ناخن کرفتن است در یک مجلس
کفارهٔ آن نیز یک کوسفند است واکر در
[illegible] اصبع [illegible] برای هر ناخنی یکمد
طعام [illegible] دوازدهم کندن موی
زیر هر دو بغل است کفارهٔ آن نیز یک کوسفند است
ودر کندن موی زیر یک بغل اطعام سه مسکین
است سیزدهم کندن دندانست کفارهٔ آن

نیزیك كوسفند است چهاردهم استعمال
كردن ومالیدن روغن خوشبو است ببدن و
كفارهٔ ان نیز یك كوسفند است پانزدهم
سر قسم خوردنست هنكام جدال اكر كفارهٔ او نیز
یك كوسفند است [illegible] است یك قسم دروغ
خوردن واكر [illegible] قسم دروغ بخورد كفارهٔ ان
یك كاو واكر سه قسم دروغ بخورد كفارهٔ ان
یكشتر [illegible] است شانزدهم كندن
درخت حرم است وان اكر بزرك باشد كفارهٔ
ان یك كاو است واكر كوچك باشد كفارهٔ
ان یك كوسفند است هفدهم ساقط كردن

نیز یك کوسفند است چهاردهم استعمال
کردن وماليدن روغن خوشبو است ببدن و
کفارهٔ آن نیز یك کوسفند است پانزدهم
سر قسم خوردنست هنکام محاربه کفارهٔ او نیز
یك کوسفند است [illegible] است [illegible] دروغ
خوردن واکر [illegible] دروغ [illegible] کفارهٔ آن
یك کاو واکر سه [illegible] دروغ [illegible] کفارهٔ آن
یکشتر [illegible] شانزدهم بریدن
درخت حرم است وان اکر بزرك باشد کفارهٔ
آن یك کاو است واکر کوچك باشد کفارهٔ
آن یك کوسفند است هفدهم ساقط کردن

موی بدن در غیر وضو کفارهٔ هر موئی یک کف
گندم است **مسئله** همراه رفتن زیر سایه است
بنحویکه مذکور شد کفارهٔ آن نیز یک گوسفند
و همچنین است [illegible] سر زیر آب علی الاحوط
اما [illegible] باطل است لکن کفاره
[illegible] است **اول** اخلال
[illegible] در عرفات و ترک
وقوف در مشعر [illegible] بین عمره و حج در نیت
سیم داخل کردن حج را در عمره پیش از
سعی عمداً **چهارم** پیش از میقات احرام بستن
بدون نذر **پنجم** بعد از میقات تا که احرام بستن

موی بدن در غیر وضو کفاره هر موی یك کف

گندم است هجدهم راه رفتن زیر سایه است

نحویکه مذکور شد کفاره آن نیز یك گوسفند است

و همچنین است فی شستن سر زیر آب علی الاحوط

اما در [illegible] مالك ترك [illegible] باطل نیست لکن کفاره

کفاره بر [illegible] است اول اخلال

بکون آن رفتن [illegible] در عرفات و ترك

وقوف [illegible] بین عمره و حج در سنت

سیم داخل کردن حج را در عمره پیش از

سعی عمداً چهارم پیش از میقات احرام بستن

بدون نذر پنجم بعد از میقاتگاه احرام بستن

عمداً

عمداً با عدم عود اگرچه ممکن نشود امّا نوع
چهارم که حرام است لکن نه موجب بطلان است
و نه سبب کفّاره پس آن سایر محرّمات احرام
که در مقام اینها مذکور شد امّا محلّ ذبح
و نحر کفّارات پس اگر سبب آن حج است پس
در منی است و آنچه متعلق بعمره است محل آن
در مکّه است علی الاحوط و صرف آن بفقرا و
مساکین محلّ مزبور است اگر ممکن شود و الّا
پس مساکین اقرب فالاقرب بمحل است این
آخر کلام و نهایت بیان ما است بر وجه اختصار
در مسائل حجّ تمتّع که مسائل عمره متمتّع بها الی الحجّ

عمداً با عدم عود اگرچه ممکن نشود اما نوع
چهارم که حرام است لکن نه موجب بطلان است
و نه سبب کفاره پس آن سایر محرمات احرام
که در مقام اینها مذکور شد اما محل ذبح
و نحر کفارات آن پس هرگاه متعلق بحج است پس
در منی است و آنچه متعلق بعمره است محل آن
در مکه است علی الاحوط و مصرف آن کفارات
مساکین محل مزبور است اگر یافت نشود آنجا
پس مساکین اقرب فالاقرب محل است این
آخر کلام و نهایت بیان ما است بر وجه اختصار
در مسائل حج تمتع که مسائل عمرهٔ متمتع بها الی الحج

وخود حج باشد در این وجیزه واگر میل بتفصیل
در اینباب دارید رجوع کنید بمناسك کبیره
اَمّا خاتمه پس آن در احکام متعلّقه بمدینهٔ
طیّبه است و آنکه مستحبّ است از برای ناس
خصوص حاجیان مشرّف شدن بمدینة الرّسول
صلّی الله علیه و آله از برای درک فیض زیارت آن
نبی [illegible] فاطمه
الزهرا [illegible] صلوات الله
علیها و ائمّة البقیع علیهم السّلام از حضرت رسول
صلّی الله علیه و آله مرویست که آن بزرگوار فرموده
است که هر کسیکه مکّه رود از برای حجّ و در مدینه

وخود حج باشد در این وجیزه واگر میل بتفصیل
در این باب دارید رجوع کنید بمناسک کبیره
اما خاتمه پس آن در احکام متعلقه بمدینه
طیبه است بدانکه مستحب است از برای ناس
خصوص حاجیان مشرف شدن بمدینة الرسول
صلی الله علیه و آله از برای درک فیض زیارت آن
[illegible] الائمة الاطهار و فاطمه
الزهراء [illegible] صلوات الله
علیها و ائمة البقیع علیهم السلام از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله مرویست که آن بزرگوار فرموده
است که هر کسیکه بمکه رود از برای حج و در مدینه

مرا زیارت نکند بر من جفا کرده است و کسیکه
بیاید بمدینه بزیارت من واجب است شفاعت من
از برای او و کسیکه واجب است از برای او شفاعت من
واجب است از برای او جنت و غیر ذلک از
روایاتیکه در این خصوص وارد است گذشت لهذا
وجوب از انها میتوان نمود [illegible] زیارت آن
بزرگوار از ضروریات دین [illegible]
از برای حاجیان بعد از حج از مسلمات [illegible]
بیقین است و کیفیت زیارت آن بزرگوار آنست
که بعد از وارد شدن بمدینه غسل برای زیارت
آنحضرت نماید پس برود در درگاه عرش اشتباه

مرا زیارت نکند بر من جفا کرده است و کسیکه
بیاید بمدینه بزیارت من واجب است شفاعت من
از برای او و کسیکه واجبست از برای او شفاعت من
واجبست از برای او جنت و غیر ذلك از
روایاتیکه در این خصوص وارد است [illegible]
وجوب از انها مستفاد میشود و ثواب زیارت آن
بزرگوار از ضروریات دین و ذکر [illegible]
از برای حاجیان بعد از حج از مسلمات [illegible]
بیقین است و کیفیت زیارت آن بزرگوار آنست
که بعد از وارد شدن بمدینه غسل برای زیارت
آنحضرت نماید پس برود در درگاه عرش اشتباه

بایستند و از برای اذن دخول این دعا را بخوانند

اللّٰهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلىٰ بَابِ بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ نَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ الدُّخُولَ إِلىٰ بُيُوتِهِ إِلَّا بِإِذْنِ نَبِيِّكَ فَقُلْتَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هٰذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ يَرَوْنَ مَكَانِي فِي وَقْتِي هٰذَا وَيَرُدُّونَ عَلَيَّ سَلَامِي وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ فَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا

بایستند و از برای اذن دخول این دعا را بخوانند

اَللّٰهُمَّ اِنِّی وَقَفْتُ عَلیٰ بابِ بَیْتٍ مِنْ بُیُوتِ نَبِیِّكَ
وَآلِ نَبِیِّكَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ وَقَدْ مَنَعْتَ النّاسَ
الدُّخُولَ اِلیٰ بُیُوتِهِ اِلّا بِاِذْنِ نَبِیِّكَ فَقُلْتَ
یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ اِلّا
اَنْ یُؤْذَنَ لَكُمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعْتَقِدُ حُرْمَةَ
نَبِیِّكَ فی غَیْبَتِهِ کَما اَعْتَقِدُها فی حَضْرَتِهِ وَاَعْلَمُ
اَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفاءَكَ اَحْیاءٌ عِنْدَكَ یُرْزَقُونَ
یَرَوْنَ مَکانی فی وَقْتی هٰذا وَیَرُدُّونَ عَلیٰ سَلامی
وَاَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعی کَلامَهُمْ وَفَتَحْتَ بابَ
فَهْمی بِلَذیذِ مُناجاتِهِمْ فَاِنّی اَسْتَاْذِنُكَ یا

کبر

رَبِّ اَوَّلاً وَاَسْتَاذِنُ رَسُولَكَ صَلَوٰاتُكَ
عَلَيْهِ ثَانِياً وَاَسْتَاذِنُ خَلِيفَتَكَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ
طَاعَتُهُ فِي الدُّخُولِ فِي سَاعَتِي هٰذِهِ اِلَىٰ
بَيْتِهِ وَاَسْتَاذِنُ مَلٰئِكَتَكَ الْمُوَكَّلِينَ بِهٰذِهِ
الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمُطِيعَةِ لِلّٰهِ السَّامِعَةِ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلٰئِكَةَ اللّٰهِ الْمُوَكَّلِينَ
بِهٰذِهِ الْمَشَاهِدِ الْمُبَارَكَةِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاِذْنِ رَسُولِهِ وَاِذْنِ خُلَفَائِهِ
وَاِذْنِكُمْ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَدْخُلُ
هٰذَا الْبَيْتَ مُتَقَرِّباً اِلَى اللّٰهِ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ فَكُونُوا مَلٰئِكَةَ اللّٰهِ

رَبِّ أَوَّلاً وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَوَاتُكَ

عَلَيْهِ ثَانِياً وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ

طَاعَتُهُ فِي الدُّخُولِ فِي سَاعَتِي هٰذِهِ إِلَىٰ

بَيْتِهِ وَأَسْتَأْذِنُ مَلَائِكَتَكَ الْمُوَكَّلِينَ بِهٰذِهِ

الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمُطِيعَةِ لَكَ السَّامِعَةِ

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللهِ الْمُوَكَّلِينَ

بِهٰذِهِ الْمَشَاهِدِ الْمُبَارَكَةِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

بِإِذْنِ اللهِ وَإِذْنِ رَسُولِهِ وَإِذْنِ خُلَفَائِهِ

وَإِذْنِكُمْ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَدْخُلُ

هٰذَا الْبَيْتَ مُتَقَرِّباً إِلَى اللهِ بِاللهِ وَرَسُولِهِ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ فَكُونُوا مَلَائِكَةَ اللهِ

اَعْوانی وَکُونُوا اَنْصاری حَتّٰی اَدْخُلَ
هٰذَا الْبَیْتَ وَاَدْعُوَ اللّٰهَ بِفُنُونِ الدَّعَواتِ
وَاَعْتَرِفَ لِلّٰهِ بِالْعُبُودِیَّةِ وَلِلرَّسُولِ وَآلِ اَبْنائِهِ
صَلَواتُ اللّٰهِ بِما اَمَرَ بِالطّاعَةِ پس هرگاه
خضوع حاصل شد داخل شوند و در حال
داخل شدن پای راست مقدم بدارند و
بگویند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَفی سَبِیلِ اللّٰهِ وَ
عَلٰی مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ رَبِّ اَدْخِلْنی مُدْخَلَ
صِدْقٍ وَاَخْرِجْنی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لی
مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصِیراً پس صد مرتبه
تکبیر بگویند و دو رکعة نماز تحیت مسجد

أَعْوانِي وَكُونُوا أَنْصارِي حَتَّى أَدْخُلَ
هذَا الْبَيْتَ وَأَدْعُوا اللهَ بِفُنُونِ الدَّعَواتِ
وَاَعْتَرِفَ لِلّهِ بِالْعُبُودِيَّةِ وَلِلرَّسُولِ وَآلِهِ وَأَبْنائِهِ
صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ بِالطّاعَةِ پس هرگاه
خضوع و خشوع حاصل شد داخل شوند و در حال
داخل شدن پای راست مقدّم بدارند و
بگویند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَ
عَلى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ
صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي
مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصِيراً پس صد مرتبه
تکبیر بگویند و دو رکعة نماز تحیّت مسجد

بجا بیاورد پس بروند بسوی حجرهٔ طیبه و

بگویند السلام علیک یا رسول الله السلام

علیک یا نبی الله السلام علیک یا محمد بن

عبد الله السلام علیک یا خاتم النبیین

اشهد انک قد بلغت الرسالة واقمت

الصلوة وآتیت الزکاة وامرت بالمعروف

ونهیت عن المنکر وعبدت الله مخلصا

حتی اتاک الیقین فصلوات الله علیک و

رحمته وعلی اهل بیتک الطاهرین پس

بایستد در نزد ستونی که در جانب راست

قبر در نزد سر آنحضرت است و دوش راست

بجا بیاورد پس بروند بسوی حجرهٔ طیّبه و
بگویند اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْكَ یا نَبِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مُحَمَّدَ بْنَ
عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا خاتَمَ النَّبِیّینَ
اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسالَةَ وَاَقَمْتَ
الصَّلوٰةَ وَآتَیْتَ الزَّکوٰةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ
وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَعَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصاً
حَتّٰی اَتٰیكَ الْیَقینُ فَصَلَواتُ اللّٰهِ عَلَیْكَ وَ
رَحْمَتُهُ وَعَلٰی اَهْلِ بَیْتِكَ الطّاهِرینَ پس
بایستد در نزد ستونی که در جانب راست
قبر در نزد سر آنحضرت است و دوش راست

را جانب منبر قرار دهد و دوش چپ را جانب قبر
چنانچه در حدیث صحیح مذکور است پس بگوید
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ
أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللّٰهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ
مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ
رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ
فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصًا حَتّٰى
أَتَاكَ الْيَقِينُ وَدَعَوْتَ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ
بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَأَدَّيْتَ الَّذِي
عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَأَنَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ

را جانب منبر قرار دهد و دوش چپ را جانب قبر

چنانچه در حدیث صحیح مذکور است پس بگوید

اَشْهَدُ اَنْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ

لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ وَ

اَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ

[illegible] مِنْ رَبِّكَ وَجَاهَدْتَ

فِيْ سَبِيْلِ [illegible] لِلّٰهِ مُخْلِصًا حَتّٰى

اَتٰيكَ الْيَقِيْنُ وَدَعَوْتَ اِلٰى سَبِيْلِ رَبِّكَ

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَاَدَّيْتَ الَّذِيْ

عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَاَنَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ

وَغَلُظْتَ

وَغَلُظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ فَبَلَّغَ اللّٰهُ بِكَ اَشْرَفَ

مَحَلِّ الْمُكَرَّمِينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى اسْتَنْقَذَنَا

بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالَةِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ

صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَآئِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ

عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَاَنْبِيَآئِكَ الْمُرْسَلِينَ

وَاَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرَضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ

لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ

الْاٰخِرِينَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَ

نَبِيِّكَ وَاَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ

وَصَفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ

وَاَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ

وَغَلَظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ فَبَلَغَ اللّٰهُ بِكَ اَشْرَفَ
مَحَلِّ الْمُكَرَّمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا
بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالَةِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ
صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ
عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَاَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ
وَاَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرَضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ
لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ
الْاٰخِرِينَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَ
نَبِيِّكَ وَاَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَصَفِيِّكَ وَخَاصَّتِكَ
وَصَفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ
وَاَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ

وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ الْاَوَّلُونَ

وَالْاٰخِرُونَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ اَنَّهُمْ

اِذْ ظَلَمُوٓا اَنْفُسَهُمْ جَآؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا

اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ

تَوَّابًا رَحِيمًا وَاِنِّي اَتَيْتُ نَبِيَّكَ تَائِبًا

مُسْتَغْفِرًا مِنْ ذُنُوبِي وَاِنِّي اَتَوَجَّهُ بِكَ

اِلَى اللّٰهِ رَبِّي لِيَغْفِرَ ذُنُوبِي ؛

وازجملهٔ [illegible] زیارت بیستکم

از حضرت امام ثامن علی ابن موسی الرّضا

سلام الله علیه و علی ابائه الطّاهرین و

ابنائه الغرّ المیامین هرو بیست وان ینست

وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ الْاَوَّلُونَ
وَالْاٰخِرُونَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ اَنَّهُمْ
اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جَاۤؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا
اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ
تَوَّابًا رَحِيمًا وَاِنّى اَتَيْتُ نَبِيَّكَ تَائِبًا
مُسْتَغْفِرًا مِنْ ذُنُوبى فَاِنّى اَتَوَجَّهُ بِكَ
اِلَى اللّٰهِ رَبّى لِيَغْفِرَ ذُنُوبى ❊
و از جمله [illegible] زیارتیستکه
از حضرت امام ثامن علی ابن موسی الرّضا
سلام الله علیه و علی ابائه الطّاهرین و
ابنائه الغرّ المیامین مرویست و ان اینست

عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ
اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِينَ اللّٰهِ اَشْهَدُ
اَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِى
سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتّٰى اَتٰيكَ
الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللّٰهُ اَفْضَلَ مَا جَزٰى نَبِيًّا
عَنْ اُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيمَ
وَآلِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ
ودر وداع آنحضرت بگويد اَللّٰهُمَّ
لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاِنْ تَوَفَّيْتَنِى قَبْلَ ذٰلِكَ

عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ
اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِينَ اللّٰهِ اَشْهَدُ
اَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي
سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتّٰى اَتٰيكَ
الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللّٰهُ اَفْضَلَ مَا جَزٰى نَبِيًّا
عَنْ اُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ
مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيمَ
وَاٰلِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ
وَدَرْ وِدَاعِ اٰنحضرت بگويد اَللّٰهُمَّ
لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذٰلِكَ

فَاِنّی اَشْهَدُ فی مَماتی عَلی ما شَهِدْتُ عَلَیْهِ
فی حَیوتی اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً
عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ پس بگو بعد صَلَّی اللّهُ
عَلَیْكَ وَالسَّلامُ عَلَیْكَ وَلا جَعَلَهُ اللّهُ
اٰخِرَ تَسْلیمی عَلَیْكَ وامّا زیارت حضرت
صدیقه طاهره فاطمه زهراء پس مرویست
از جناب امام محمد باقر علیه السلام که باین
طریق زیارت کن آن حضرت را یا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكِ
اللّهُ الَّذی خَلَقَكِ قَبْلَ اَنْ یَخْلُقَكِ فَوَجَدَكِ
لِما امْتَحَنَكِ صابِرَةً وَزَعَمْنا اَنّا لَكِ اَوْلِیاءُ
مُصَدِّقُونَ وَصابِرُونَ لِكُلِّ ما اَتانا بِهِ

فَاِنِّیْ اَشْهَدُ فِیْ مَمَاتِیْ عَلٰی مَا شَهِدْتُ عَلَیْهِ
فِیْ حَیٰوتِیْ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً
عَبْدُکَ وَ رَسُوْلُکَ پس بگوید صَلَّی اللهُ
عَلَیْکَ وَالسَّلَامُ عَلَیْکَ وَ لَا جَعَلَهُ اللهُ
اٰخِرَ تَسْلِیْمِیْ عَلَیْکَ و امّا زیارت حضرت
صدیقهٔ طاهره فاطمهٔ زهرا پس مروی است
از جناب امام محمد باقر علیه السلام که با این
طریق زیارت کنید یَا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَکِ
اللهُ الَّذِیْ خَلَقَکِ قَبْلَ اَنْ یَخْلُقَکِ فَوَجَدَکِ
لِمَا امْتَحَنَکِ صَابِرَةً وَ زَعَمْنَا اَنَّا لَکِ اَوْلِیَاءُ
مُصَدِّقُوْنَ وَ صَابِرُوْنَ لِکُلِّ مَا اَتَانَا بِهِ

اَبُوْکِ

أَبُوكِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَوْصَى بِهِ وَصِيُّهُ
فَإِنَّا نَسْأَلُكِ إِنْ كُنَّا صَدَّقْنَاكِ إِلَّا أَلْحَقْتِنَا
بِتَصْدِيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ
طَهُرْنَا بِوِلَايَتِكِ و امّا زیارت ائمّه
بقیع پس دو قسم ذکر می‌شود امّا اوّل
پس آن زیارتی است که از حضرت امام
مرویست و در هر وقت صحیح می‌توان خواند
و آن اینست السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللهِ
وَأَصْفِيَائِهِ السَّلَامُ عَلَى أُمَنَاءِ اللهِ وَأَحِبَّائِهِ
السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللهِ وَخُلَفَائِهِ السَّلَامُ
عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِنِ

أَبُوكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَوْصَى بِهِ وَصِيُّهُ

فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِنْ كُنَّا صَدَّقْنَاكَ إِلَّا أَلْحَقْتَنَا

بِتَصْدِيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ

طَهُرْنَا بِوِلَايَتِكَ وَ اَمَّا زيارت ائمه

بقيع پس دو قسم ذكر مى‌شود اَمَّا اوّل

پس آن زيارتى است كه از حضرت صادق عليه السلام

مرويست و در اوّل آن وضو ... بخواند دعا

و آن اينست السَّلامُ عَلَى اَوْلِيَاءِ الله

وَاَصْفِيَائِهِ السَّلامُ عَلَى اُمَنَاءِ اللهِ وَاَحِبَّائِهِ

اَلسَّلامُ عَلَى اَنْصَارِ اللهِ وَخُلَفَائِهِ اَلسَّلامُ

عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَى مَسَاكِنِ

ذِكْرِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلىٰ مَظْهَرِ اَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ
اَلسَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ اِلَى اللهِ اَلسَّلامُ عَلَى
الْمُسْتَقِرّينَ في مَرْضاتِ اللهِ اَلسَّلامُ
عَلَى الْمُخْلِصينَ في طاعَةِ اللهِ اَلسَّلامُ
عَلَى الْاَدِلّاءِ عَلَى اللهِ اَلسَّلامُ عَلَى الَّذينَ
مَنْ والاهُمْ فَقَدْ والَى اللهَ وَمَنْ عاداهُمْ
فَقَدْ عادَى اللهَ وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ
اللهَ وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللهَ وَمَنِ
اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللهِ وَمَنْ
تَخَلّىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّىٰ مِنَ اللهِ اُشْهِدُ اللهَ
اَنّي سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ

ذِكرِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلىٰ مَظهَرِ اَمرِ اللهِ وَنَهيِهِ
اَلسَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ اِلَى اللهِ اَلسَّلامُ عَلَى
المُستَقِرّينَ فِي مَرضاتِ اللهِ اَلسَّلامُ
عَلَى المُمَحَّصينَ في طاعَةِ اللهِ اَلسَّلامُ
عَلَى الاَدِلّاءِ عَلَى اللهِ اَلسَّلامُ عَلَى الَّذينَ
مَن والاهُم فَقَد والَى اللهَ وَمَن عاداهُمُ
فَقَد عادَى اللهَ وَمَن عَرَفَهُم فَقَد عَرَفَ
اللهَ وَمَن جَهِلَهُم فَقَد جَهِلَ اللهَ وَمَنِ
اعتَصَمَ بِهِم فَقَدِ اعتَصَمَ بِاللهِ وَمَن
تَخَلّىٰ مِنهُم فَقَد تَخَلّىٰ مِنَ اللهِ اُشهِدُ اللهَ
اَنّي سِلمٌ لِمَن سالَمَكُم وَحَربٌ لِمَن حارَبَكُم

مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ مُفَوِّضٌ اَمْرِي فِي
ذٰلِكَ كُلِّهِ اِلَيْكُمْ لَعَنَ اللهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ
مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
وَاَبْرَأُ اِلَى اللهِ مِنْهُمْ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ پس صلوات بفرستد
ونام هر يك از ائمه را ببرد و بيزارى از
دشمنان ايشان بجويد و دعا كند براى
خود و مؤمنين و مؤمنات و چون وداع
ائمه بقيع بكند بگويد اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَئِمَّةَ الْهُدَى
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَسْتَوْدِعُكُمُ اللهَ وَاَقْرَءُ
عَلَيْكُمُ السَّلَامَ آمَنَّا بِاللهِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَلْتُمْ

مُؤمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ مُفَوِّضٌ اَمْرى فى
ذلِكَ كُلِّهِ اِلَيْكُمْ لَعَنَ اللهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ
مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ
وَاَبْرَءُ اِلَى اللهِ مِنْهُمْ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ الطّاهِرينَ پس بسیار صلوات بفرست
و نام هر یك از ائمه را ببر و بیزاری از
دشمنان ایشان بجو و دعا کن برای
خود و مؤمنین و مؤمنات و چون خواهی وداع
ائمه بقیع بکنی بگو اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَئِمَّةَ الْهُدى
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَسْتَوْدِعُكُمُ اللهَ وَاَقْرَءُ
عَلَيْكُمُ السَّلامَ آمَنّا بِاللهِ وَبِما جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَلْتُمْ

عَلَیْهِ اَللّٰهُمَّ اکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِینَ پس دعا

بسیار کند و سؤال کند که آخر زیارت او

نباشد و از برای هر یک از ائمه بقیع دو رکعة

نماز بکند [illegible] زیارتیست که از برای

مخصوص ائمه بقیع بر وجه اطلاق از یکی از ائمه

معصومین علیهم السلام روایت شده و

[illegible] قبور ائمه بقیع را

پس [illegible] قبر را پیش روی خود

قرار بده پس بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ اَئِمَّةَ الْهُدیٰ

اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ اَهْلَ التَّقْویٰ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ حُجَجَ

اللّٰهِ عَلیٰ اَهْلِ الدُّنْیا اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الْقُوّامُ

عَلَیهِ اَللّٰهُمَّ اکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِینَ پس دعا

بسیار کند و سؤال کند که آخر زیارت او

نباشد و از برای هر یک از ائمه بقیع دو رکعت

نماز بکند [illegible] زیارتیست که از برای

[illegible] ائمه بقیع [illegible] طلاق از یکی از ائمه

[illegible] علیهم السلام روایت شده و

[illegible] قبور ائمه بقیع را

[illegible] بر را پیش روی خود

قرار بده پس بگو اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ اَئِمَّةَ الْهُدیٰ

اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ اَهْلَ التَّقْویٰ اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ حُجَجَ

اللهِ عَلیٰ اَهْلِ الدُّنْیا اَلسَّلامُ عَلَیکُمْ اَیُّهَا الْقَوْمُ

فِي الْبَرِيَّةِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الصَّفْوَةِ اَلسَّلامُ
عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ
النَّجْوى اَشْهَدُ اَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ
فِي ذاتِ اللهِ وَكُذِّبْتُمْ وَاُسِيءَ اِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ
وَاَشْهَدُ اَنَّكُمُ الْاَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ
وَاَنَّ طاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَاَنَّ قَوْلَكُمُ الْحَقُّ
وَاَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجابُوا وَاَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطاعُوا
وَاَنَّكُمْ دَعائِمُ الدّينِ وَاَرْكانُ الْاَرْضِ لَنْ
تَزالُوا بِعَيْنِ اللهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ اَصْلابِ كُلِّ
مُطَهَّرٍ وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ اَرْحامِ الْمُطَهَّراتِ لَمْ
تُدَنِّسْكُمْ جاهِلِيَّةُ الْجُهَلاءِ وَلَمْ تَشْرَكْ فيكُمْ

فِي الْبَرِيَّةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ
النَّجْوٰى أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ
فِي ذَاتِ اللّٰهِ وَكُذِّبْتُمْ وَأُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ
وَأَشْهَدُ أَنَّكُمُ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ
وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَأَنَّ قَوْلَكُمُ الْحَقُّ
وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا
وَأَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ لَمْ
تَزَالُوا بِعَيْنِ اللّٰهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ
مُطَهَّرٍ وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ
تُدَنِّسْكُمُ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَلَمْ تَشْرَكْ فِيكُمْ

فِتَنِ الْاَهْوَآءِ طِبْتُمْ وَطَابَ مَنْبَتُكُمْ مَنَّ بِكُمْ
عَلَيْنَا دَيَّانُ الدِّيْنِ فَجَعَلَكُمْ فِيْ بُيُوْتٍ اَذِنَ
اللّٰهُ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيْهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ
صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِذُنُوْبِنَا
اِذِ اخْتَارَكُمُ اللّٰهُ لَنَا وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا
مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وِلَايَتِكُمْ وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِيْنَ
بِعِلْمِكُمْ وَمُعْتَرِفِيْنَ بِتَصْدِيْقِنَا اِيَّاكُمْ وَهٰذَا
مَقَامُ مَنْ اَسْرَفَ وَاَخْطَاَ وَاسْتَكَانَ وَاَقَرَّ بِمَا
جَنٰى وَرَجَا بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ وَاَنْ يَسْتَنْقِذَ
بِكُمْ مُسْتَنْقِذَ الْهَلْكٰى مِنَ النَّارِ فَكُوْنُوْا لِيْ
شُفَعَآءَ فَقَدْ وَفَدْتُ اِلَيْكُمْ اِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ

اَهْلُ

فتن الأهواء طبتم وطاب منبتكم منّ بكم
علينا ديّان الدين فجعلكم في بيوت أذن
الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه وجعل
صلواتنا عليكم رحمة لنا وكفارة لذنوبنا
إذ اختاركم الله لنا وطيب خلقنا بما
منّ علينا من ولايتكم وكنّا عنده مسلّمين
بعلمكم ومعترفين بتصديقنا إياكم وهذا
مقام من أسرف وأخطأ واستكان وأقرّ بما
جنى ورجا بمقامه الخلاص وأن يستنقذ
بكم مستنقذ الهلكى من النار فكونوا لي
شفعاء فقد وفدت إليكم إذ رغب عنكم

اَهْلُ الدُّنْيَا وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللّٰهِ هُزُواً
وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا
يَسْهُو وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنُّ
بِمَا وَفَّقْتَنِي وَعَرَّفْتَنِي بِمَا اَلْهَمْتَنِي عَلَيْهِ اِذْ
صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَجَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ وَ
اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ وَمَالُوا اِلَى سِوَاهُ فَكَانَتِ الْمِنَّةُ
مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ اَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ فَلَكَ
الْحَمْدُ اِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هٰذَا
مَذْكُوراً مَكْتُوباً فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَلَا
تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس دعا

أَهْلُ الدُّنْيَا وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللهِ هُزُواً
وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا
يَسْهُو وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنُّ
بِمَا وَفَّقْتَنِي وَعَرَّفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ
صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَجَحَدُوا مَعْرِفَتَهُ وَ
اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُ فَكَانَتِ الْمِنَّةُ
مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ فَلَكَ
الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا
مَذْكُوراً مَكْتُوباً فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَلَا
تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس دعا

کن اگر خواهی چون وداع کنی بخوان آن
چیزی را که ذکر شد والله العالم و زیارات
وارده از مطلقه و مخصوصه بسیار است
هر که خواهد در کتابهای زیارات علماء
ابرار مشهور [illegible] مجلسی اعلی الله
مقامه رجوع نماید فارغ شدیم از تسوید
این [illegible] مبارک رمضان
سنه [illegible] و نوزده از هجرت
سید المرسلین صلوات الله علیه و علی آله
اجمعین در کربلای معلی در جوار خامس
آل عبا سید الشهداء علیه و علی جده

کن اگر خواهی و چون وداع کنی بخوان آن

چیزی را که ذکر شد والله العالم و زیارات

وارده از مطهر و معصومین بسیار است

هر که خواهد در کتابهای زیارت علماء

ابرار [illegible] مجلسی اعلی الله

مقامه [illegible] فارغ شدیم از تسوید

[illegible] ماه مبارک رمضان

۱۹
سنه [illegible] وزده از هجرت

سید المرسلین صلوات الله علیه و علی آله

اجمعین در کربلای معلی در جوار خامس

آل عبا سید الشهدا علیه و علی جده

خاتمه

خاتم النبيين وعلى ابيه امير المؤمنين و

امه سيدة نساء العالمين واخيه الحسن

المجتبى الامين وعلى ذريته الائمة المعصومين

افضل صلوات المصلين والحمد لله رب

العالمين والحمد لله اولا واخرا و باطنا و

ظاهرا رجاء [illegible] و [illegible]

عاملين [illegible]

بجاه [illegible]

حرره لاجله هذه الوجيزه

[illegible]

تمام شد

خاتم النبيين وعلى ابنه امير المؤمنين و

أمه سيدة نساء العالمين واخيه الحسن

المجتبى الامين وعلى ذريته الائمة المعصومين

افضل صلوات المصلين و الله ربّ

العالمين والحمد لله اولا واخرا وباطنا و

ظاهرا رجاء [illegible] و

عاملين [illegible] واوقات

[illegible] اجمعين

حرر لاجله هذه الوجيزة

[illegible]

تمام شد

نطبع ... رساله شریفه ... مناسک حج و عمره

حسب الامر الحضرت العلیه ... ناصره

... بیان محمد ضیا حاجب ... ولده

... نواب مستطاب اشرف آقای سلطان

... جلال ... نوه

... بقا ... رضا ...

... ودیه و دم

... علی اعد ... آیاته اللهم آمین یارب

واحفظ و ... وعترته الطاهرین

در مطبع ... عبدالله طهرانی مالک

مطبع ... ماه المرجب سنه ۱۳۴۲ صورت طبع یافت

سال ۱۳۴۸ خورشیدی بازبینی شد ...

انطبع ... رسالۀ شریفه [illegible] اسک حج و عمره
حسب الامر الحضرت العلیه ... منیعا ... ناصره
[illegible] یان محمد غنیا حاجیه بی بی ولده
[illegible] نواب مستطاب اشرف آقای سلطان
[illegible] جلال [illegible] نوه
[illegible]
[illegible] بقای روضا [illegible]
[illegible] ودیه و دم
علی اعد [illegible] بانه اللهم آمین یارب
و احفظ [illegible] و عترته الطاهرین
مطبع [illegible] عبد الله طهرانی مالک
مطبع [illegible] ماه المرجب سنه ۱۳۴۲ صورت طبع یافت

[illegible] ۱۳۴۸ خورشیدی
بازدید شد [illegible]



















